نی‌نامک

ماهنامه اجتماعی-اقتصادی / سال نهم / شماره ۷۳
آبان ۱۴۰۵ / ۳۶ صفحه / ۴۰ هزار تومان

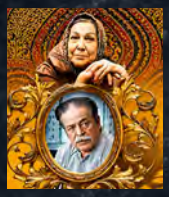
در این شماره می‌خوانید:



/ سرمقاله:
مرثیه‌ای برای سوگند صیادی و نظام آموزش و پرورش



/ وارن بافت:
سه عادت روزانه که رؤیاپردازان را از عمل‌گرایان جدا می‌کند



/ پدرسالار:
قصه‌ای که از قاب تلویزیون به خانه‌های مردم راه یافت

فضل نی ریزی

بزرگ‌ترین ریاضیدان قرن سوم

سیرک بین المللی

برادران همایونی

باهمکاری شهرداری



برای اولین بار در نی ریز

از ۳ آذرماه لغایت ۳ دی ماه
به مدت ۳۰ شب

شهرک آبادزردشت
جنب سالن ورزشی

جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره زیر تماس حاصل فرمایید

۰۹۱۷ ۷۲۸ ۲۱۸۲



فروش بلیط از ساعت ۱۷ الی ۱۹ (محل اجرای سیرک)

شروع برنامه از ساعت ۱۹ الی ۲۱

روابط عمومی شهرداری و شورای اسلامی شهر نی ریز

قطره تویی، بحر تویی، لطف تویی، قهر تویی / قند تویی، زهر تویی، بیش میآزار مرا
حجر هخورشید تویی، خانه ناهید تویی / روضه امید تویی، راه دِه، ای یار! مرا
مولانا/دیوان شمس

سرمقاله

● / مرثیه‌ای برای سوگند صیادی و نظام آموزش و پرورش (۴)

خبرخوان







● / ضرورت تغییر رویکرد نیکوکاری آموزشی؛ از مدرسه سازی به توانمندسازی معلمان (۶)

● / رشد خودروهای برقی، صرفه جویی نزدیک به ۲ میلیارد یورو برای شش کشور وارد کننده نفت از آغاز جنگ ایران (۷)

● / پنج نشانه زبانی دروغ گویی چیست؟ (۸)

● / نه به «جنگ و تورم» در نظرسنجی‌ها (۹)

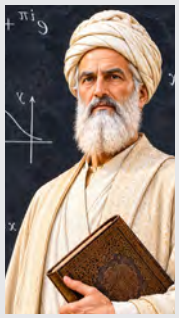
● / هشدار؛ از سال ۱۴۲۲ تعداد سالمندان از جوانان بیشتر می‌شود (۱۰)

● / یک عادت رایگان می‌تواند سلامت روان فرزندتان را تقویت کند (۱۲)

● / هشدار نیک کیود درباره موسیقی تولید شده با هوش مصنوعی (۱۳)

● / پاکبانی که نمی‌خواهد مدرک دکترایش خاک بخورد (۱۴)

پرونده ماه



فضل نی ریزی
بزرگ ترین ریاضیدان
قرن سوم (۱۷)

جامعه

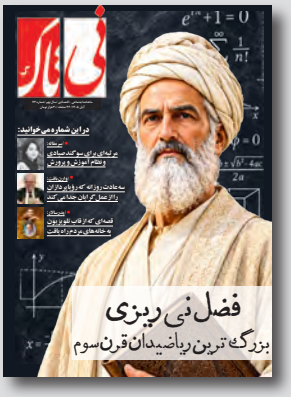


وارن بافِت؛
سه عادت روزانه که رؤیاپردازان را
از عمل گرایان جدا می کند (۳۰)

نماوا



پدرسالار
قصه‌ای که از قاب تلویزیون
به خانه‌های مردم راه یافت (۳۲)



ماهنامه اجتماعی - اقتصادی استان فارس

شماره ۷۳/دوره دوم/سال نهم
آبان ۱۴۰۵ خورشیدی
جمادی‌الاول / جمادی‌الثانی ۱۴۴۸ مهشیدی
October / November 2026

مدیر مسئول: امین رجبی
سردبیر: غلامرضا شعبان پور
با همکاری شورای نویسندگان

اجرا:
مؤسسه مطبوعاتی فارس پژواک نی‌ریزان

نشانی:
فارس/نی‌ریز/خیابان طالقانی/مؤسسه فرهنگی‌هنری کوثر نورتارم/طبقه دوم

راه‌های ارتباطی:
۰۷۱-۵۳۸۳۰۹۰۳ دفتر
۰۷۱-۵۳۸۳۷۰۲۸ تحریریه
۰۹۱۷۸۰۰۱۸۰۸ مدیرمسئول
۰۹۳۰۷۳۱۱۸۰۸ آگهی
۰۹۱۷۸۰۰۱۸۰۸ تلگرام/واتساپ
سایت: neytaak.ir
رایانامه: neytaak@gmail.com

طراحی صفحات: محمد جلالی

لیتوگرافی و چاپ:
فارس/نی‌ریز/نبش خیابان بهداشت/خانه چاپ نی‌ریز
۰۹۱۷۳۳۱۲۴۲۰

-مطالب منتشر شده در ماهنامه، الزاماً دیدگاه شورای نویسندگان نیست.
-نی تاک در ویرایش مطالب آزاد است.
-مطالب دریافتی بازگردانده نمی‌شود.

مرثیه‌ای برای «سوگند صیادی» و نظام آموزش و پرورش

امین رجبی
مدیرمسئول

مرگ مظلومانه‌ی سوگند صیادی دختر ۱۶ ساله، هفته پیش جامعه را به شدت متأثر کرد. واقعه‌ای که می‌شد با اندکی درایت و دوراندیشی جلو آن را گرفت.

سوگند در یکی از مدارس روستاهای گیلانغرب درس می‌خواند و چند روز دیگر تولد ۱۷ سالگی‌اش بود. بر اساس روایت‌های منتشره، به دلایلی که هنوز اثبات نشده، سوگند در روز واقعه به دفتر مدیر مدرسه مراجعه کرده و خواستار آن شده بود که پدرش در جریان وضعیت شخصی او قرار نگیرد. چون از واکنش پدر و احتمال آسیب دیدن خود بیم داشته.

اما مسئولانِ مدرسه به این خواسته تن نمی‌دهند و پدر را خبر می‌کنند. می‌گویند پدر، هم در مدرسه و هم در خانه او را کتک می‌زند و نهایتاً هم دختر از طبقه پنجم به پایین سقوط می‌کند و جان می‌سپارد.

به گفته دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان کرمانشاه، «پدر این دانش‌آموز با اتهاماتی از جمله ضرب‌وجرح و فعلاً قتل و مدیر مدرسه نیز به اتهام قصور و سهل‌انگاری بازداشت شده‌اند.»

این حادثه‌ی تلخ جنبه‌های گوناگون دارد، اما یک طرف ماجرا که کمتر به آن پرداخته شده، ضعف نظام آموزش و پرورش در جذب و به‌کارگیری افراد نخبه در مدارس و همچنین ناتوانی در مهارت‌آموزی به معلمان است.

در همین ماجرا مدیر باید اصرارهای سوگند را جدی می‌گرفت، مشاور را وارد می‌کرد و حتی از اورژانس اجتماعی بهزیستی کمک می‌گرفت. ولی او ساده‌ترین و در عین حال بدترین کار را انتخاب کرد و دانش‌آموزِ بی‌پناه را با وجود خواهش‌های دختر، به پدرش سپرد و آن حادثه‌ای که نباید، رخ داد.

هرچند هنوز معلمان و مدیران شایسته، دلسوز و کاربلد در مدارس کم نیستند اما برای مدرسه، یک معلم ناتوان هم زیاد است. معلم اگر توانمند نباشد، نمی‌تواند دانش‌آموز را کنترل و هدایت کند.

در این ماجرا مسائل زیر دارای اهمیت است:

- هر دانش‌آموز یک دنیای متفاوت دارد، با خانواده متفاوت و تربیت متفاوت. معلم و بویژه مدیر باید با هر دانش‌آموز برخوردی متفاوت و متناسب داشته باشد و این نیاز به توانمندی بالا دارد و کار هر کسی نیست.

- در گزینش آموزش و پرورش، جنبه‌های اعتقادی و ایدئولوژیک بسیار بیشتر از مهارتهای روانشناختی و تربیتی و حل مسئله مورد توجه است. برای نمونه این سؤال که در نمازجمعه این هفته خطبه‌ها درباره چه بود یا فلان مقام مسئول در آخرین سخنرانی خود چه گفت.

این مسئله به طور مشخص باعث ریا و پنهان‌کاری می‌شود و جلو ورود نخبگان به نظام آموزشی را خواهد گرفت.

- وقتی حقوق معلمان اینقدر پایین است، هم شأن معلمی رعایت نمی‌شود و هم انگیزه افراد نخبه برای ورود به شغل معلمی از بین می‌رود. از طرفی معلمانِ موجود هم برای گذران زندگی مجبور به انجام شغل‌های جانبی می‌شوند که به شدت کیفیت آموزشی و مهارتی آنان را کم می‌کند.

- دانش‌آموزانِ ما به دلایل مختلفِ اجتماعی و اقتصادی با مسائل گوناگونی در بیرون و درون مدرسه و خانواده مواجهند. به همین دلیل «حل مسئله» یک مهارت اساسی است که باید در دوره‌های ضمن خدمت بطور جدی آموزش داده شود. مسئله‌ی سوگند صیادی، مسئله پیچیده‌ای نبود که بخواهد به چنین فاجعه‌ای ختم شود؛ اگر مدیر توان حل مسئله داشت و اگر فردِ آموزش‌دیده و توانمند در مسائل تربیتی در آن جایگاه بود.

یادش بخیر زنده‌یاد استاد غلامرضا آراسته‌راد دبیر مدرسه تیزهوشان علامه حلی تهران (روحش شاد) می‌گفت: زمانی که دانش‌آموز دبیرستان بودم، یک بار روز امتحان خواب ماندم. مرحوم سید محمود طباطبایی (روحش شاد) امتحان را عقب انداخته بود تا من به امتحان برسم اما نرسیدم. نهایت، مستخدم مدرسه را با دوچرخه پیِ من فرستاد و مرا سرِ جلسه امتحان حاضر کرد و من آن امتحان را با نمره عالی پشت سر گذاشتم.

در همین دوران هم داریم معلمانی که تن به آتش می‌زنند و دانش‌آموزان را از مرگ نجات می‌دهند؛ بدون آن که رسالت معلمی را به خاطر پایین بودن حقوق و دیگر مشکلات فراموش کنند.

راهِ نجات هر کشور، آموزش و پرورش قوی است. چیزی که ما فرسنگ‌ها از آن فاصله داریم.

بدرود

خبرخوان



ضرورت تغییر رویکرد نیکوکاری آموزشی؛

از مدرسه‌سازی به توانمندسازی معلمان



چند کلمه ساده که می تواند هر دروغ گویی را رسوا کند؛

پنج نشانه زبانی دروغ گویی چیست ؟



نه به « جنگ و تورم» در نظرسنجی ها

۷۱ درصد آمریکایی ها خواستار پایان درگیری با ایران هستند



هشدار؛

از سال ۱۴۲۲ تعداد سالمندان از جوانان بیشتر می‌شود



یک عادت رایگان می تواند سلامت روان فرزندتان را تقویت کند



تحقیر نهایی و نابود کننده روح ما

هشدار درباره موسیقی تولید شده با هوش مصنوعی



از خیابان‌های شهر تا قله‌های دانش

پاکبانی که نمی‌خواهد مدرک دکترایش خاک بخورد

ضرورت تغییر رویکرد نیکوکاری آموزشی؛

از مدرسه‌سازی به توانمندسازی معلمان

عصر ایران

برآوردها نشان می‌دهد هر معلم در طول دوران حرفه‌ای خود می‌تواند بر زندگی حدود ۵۰۰ دانش‌آموز تأثیر بگذارد.

محمود مهرمحمدی، استاد دانشگاه تربیت مدرس و متخصص مطالعات برنامه درسی، با تأکید بر ضرورت بازنگری در رویکردهای نیکوکاری آموزشی گفت جریان غالب در این حوزه باید از مدرسه‌سازی به سمت توانمندسازی معلمان حرکت کند.

به گزارش عصر ایران به نقل از روابط عمومی مدرسه معلمی «الف ب»، این سازمان مردم‌نهاد با تمرکز بر آموزش و توانمندسازی معلمان مناطق محروم، برای ارتقای کیفیت آموزش و بهبود آینده کودکان این مناطق فعالیت می‌کند.

مهرمحمدی، مدیر علمی و رئیس هیئت‌مدیره الف ب، در مراسم آغاز سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۶ این مجموعه با عنوان «از باغچه اطفال تا مدرسه معلمان» در تهران گفت: «یک تغییر گفتمانی در حوزه نیکوکاری آموزشی لازم است و باید از جریان غالب مدرسه‌سازی به توانمندسازی مهاجرت کنیم.»

او با اشاره به نقش معلم در کیفیت آموزش اظهار کرد که مدرسه صرفاً یک ساختمان نیست، بلکه محیطی برای یادگیری، رشد، زندگی باکیفیت و رؤیاپردازی دانش‌آموزان است و آنچه مدرسه را از یک ساختمان معمولی متمایز می‌کند، اتفاقی است که درون آن رخ می‌دهد.

مهرمحمدی با اشاره به برخی آمارهای غیررسمی درباره مدارس خیرساز گفت که بر اساس این آمارها، تعدادی از مدارسی که با کمک خیرین ساخته شده‌اند، به دلیل نبود معلم یا دانش‌آموز عملاً بلااستفاده مانده‌اند. به گفته او، مدرسه‌سازی زمانی به نتیجه مطلوب می‌رسد که ساختمان ساخته‌شده به محیطی برای «دانایی و توانایی» تبدیل شود.

«معلم راهبر»؛ هدف توانمندسازی

مدیر علمی و رئیس هیئت‌مدیره الف ب در ادامه به رویکرد این مجموعه در آموزش معلمان اشاره کرد و گفت برنامه‌های آن بر اساس نیازهای واقعی و داده‌های آموزشی طراحی و به‌طور مستمر اصلاح می‌شوند.

به گفته مهرمحمدی، این برنامه‌ها بر محورهایی از جمله: نیازخوانی به جای نیازسنجی، تعریف سطوح بالندگی حرفه‌ای، تقویت شایستگی‌های شخصیتی و حرفه‌ای، نتیجه‌محوری، یادگیری معکوس همراه با کوچینگ و پیوند میان آموزش نظری و عمل استوار است.

او هدف نهایی این فرایند را تربیت «معلم راهبر» دانست و گفت یکی از مشکلات اصلی تربیت معلم، فاصله میان آموخته‌های نظری و آن چیزی است که در کلاس درس اتفاق می‌افتد. به گفته او، آموزش زمانی ارزشمند است که مهارت و دانشی که معلم کسب می‌کند، وارد کلاس درس شود و در شیوه نگاه و عمل او تغییر ایجاد کند.

از مواجهه با کودکان محروم تا تأسیس الف ب

صادق کشاورزیان، هم‌بنیان‌گذار و مدیرعامل الف ب و پژوهشگر فلسفه تعلیم و تربیت، نیز در این مراسم درباره شکل‌گیری این مجموعه سخن گفت.

او با اشاره به تجربه شخصی خود اظهار کرد که حدود یک دهه پیش، زمانی که به‌عنوان معمار فعالیت می‌کرد، در جریان فعالیت‌های عام‌المنفعه آموزشی با کودکان مناطق حاشیه‌ای شهر مواجه شد و این تجربه مسیر زندگی حرفه‌ای او را تغییر داد.

کشاورزیان تأکید کرد که مسئله حفظ حرمت کودکان محدود به مناطق حاشیه‌ای نیست و می‌تواند در خانه، مدرسه و دیگر محیط‌های اجتماعی نیز رخ دهد. او الف ب را نهادی عام‌المنفعه توصیف کرد که هدفش باقی ماندن فعالیت‌های آموزشی برای کودکان محروم و مقاومت در برابر تجاری‌سازی آموزش است.

او همچنین با استناد به آمارهایی که در این مراسم مطرح کرد، مدعی شد میانگین معدل در ایران حدود ۱۰ است و حدود ۴۰ درصد کودکان دوره ابتدایی از سواد پایه خواندن، نوشتن و حساب برخوردار نیستند. کشاورزیان همچنین گفت برآوردها نشان می‌دهد هر معلم در طول دوران حرفه‌ای خود می‌تواند بر زندگی حدود ۵۰۰ دانش‌آموز تأثیر بگذارد.

به گفته او، همین ظرفیت اثرگذاری گسترده معلمان باعث شده است الف ب به جای تمرکز صرف بر ساخت فضاهای آموزشی، توانمندسازی معلمان را در مرکز فعالیت خود قرار دهد.

صرفه جویی ۲ میلیارد یورویی با رشد خودروهای برقی

برای ۶ کشور وارد کننده نفت از آغاز جنگ ایران

یورونیوز فارسی

ناوگان خودروهای برقی تا حد زیادی افزایش سرسام‌آور هزینه واردات نفت را پس از جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران و بحران انرژی پس از آن جبران کرده‌اند.

نفت‌خام برنت که شاخص جهانی قیمت نفت است، ۲۲ اکتبر تا نزدیکی ۱۰۰ دلار (حدود ۸۹ یورو) در هر بشکه بالا رفت؛ بالاترین سطح در پنج هفته اخیر، در حالی که نگرانی‌ها از تشدید احتمالی در خاورمیانه رو به افزایش است.

۲۷ فوریه، یک روز پیش از آغاز جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، نفت‌خام برنت با قیمت ۶۷ دلار (۵۹.۶۳ یورو) در هر بشکه معامله می‌شد؛ یعنی حدود ۳۲ درصد کمتر از قیمت‌های امروز.

افزایش هزینه‌ها عمدتاً به کنترل سخت‌گیرانه ایران بر تنگه هرمز نسبت داده می‌شود؛ مسیر دریایی ۱۶۷ کیلومتری که معمولاً حدود یک‌پنجم نفت روزانه جهان و محموله‌های دریایی گاز طبیعی مایع (ال‌ان‌جی) را حمل می‌کند.

همزمان، فروش جهانی خودروهای برقی در مقایسه سال‌به‌سال ۱۱ درصد افزایش یافته، در حالی که فروش خودروهای با موتور احتراق داخلی در هشت ماه نخست ۲۰۲۶ شش درصد کاهش یافته است.

خودروهای برقی چگونه میلیاردها یورو برای اروپا صرفه‌جویی به همراه دارند

تحلیل تازه اندیشکده انرژی امبر نشان می‌دهد که موج خودروهای برقی در فاصله مارس تا اوت ۲۰۲۶ حدود ۲۰۰ میلیون بشکه نفت‌خام را از چرخه مصرف کنار زده است؛ معادل ۲۰ میلیارد دلار (۱۷.۸۲ میلیارد یورو).

این مطالعه که ۵۶ کشور را در بر می‌گیرد؛ کشورهایی که در مجموع بیش از ۹۰ درصد فروش خودروهای برقی و بیش از ۸۰ درصد کل فروش خودرو در جهان را به خود اختصاص می‌دهند، نشان می‌دهد چین بزرگترین سهم را در این صرفه‌جویی‌ها داشته است.

ناوگان برقی چین که حدود ۴۴ میلیون خودروی برقی را شامل می‌شود، ۱۴ میلیارد دلار (۱۲.۴۸ میلیارد یورو) از هزینه نفت‌خام را کاهش داده است.

کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیز در همین بازه زمانی، با خودروهای برقی خود ۳.۱ میلیارد دلار (۲.۷۶ میلیارد یورو) دیگر نفت‌خام را جایگزین کرده‌اند.

آلمان و فرانسه با صرفه‌جویی تقریباً ۷۶۰ میلیون دلار و ۵۶۰ میلیون دلار (۶۷۷ میلیون و ۴۹۹ میلیون یورو) به ترتیب، بیشترین سهم را در این کاهش هزینه‌ها دارند.

ناوگان خودروهای برقی بریتانیا در شش ماهی که از آغاز بحران سوخت‌های فسیلی می‌گذرد، حدود ۷۹۰ میلیون دلار (۷۰۴ میلیون یورو) نفت‌خام را جایگزین کرده است. برای مقایسه، دولت بریتانیا می‌گوید این کشور در ۱۲ ماه منتهی به پایان اوت ۲۰۲۶ معادل ۲۱.۵ میلیارد پوند (۲۵.۶۴ میلیارد یورو) نفت‌خام وارد کرده است.

شش کشور اروپایی (دانمارک، فرانسه، آلمان، هلند، سوئد و بریتانیا) با کاهش واردات نفت در مجموع نزدیک به ۲ میلیارد یورو صرفه‌جویی کرده‌اند.

خودروهای برقی وابستگی به بازارهای پرنوسان نفت را کاهش می‌دهند

اوان گراهام، تحلیلگر ارشد انرژی می‌گوید: «کشورهایی که پیش از این بحران روی خودروهای برقی سرمایه‌گذاری کرده‌اند اکنون بهتر محافظت می‌شوند و شمار رو به رشدی از کشورها در حال پیروی از آنها هستند.»

او می‌افزاید: «هر خودروی برقی در جاده وابستگی به بازارهای پرنوسان نفت را کاهش می‌دهد و هرچه این ناوگان بزرگ‌تر شود، حفاظت در برابر شوک‌های عرضه در آینده نیز بیشتر خواهد شد.»

گراهام اضافه می‌کند گذار جهانی به خودروهای برقی فقط به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای محدود نمی‌شود، بلکه در بحبوحه بی‌ثباتی سیاسی سطح «امنیت انرژی و تاب‌آوری اقتصادی» کشورها را نیز بالا می‌برد.

آیا خودروهای برقی برای محیط زیست بهتر هستند؟

فایده زیست‌محیطی خودروهای برقی به این بستگی دارد که باتری آنها چگونه تولید شده و با چه نوع برقی شارژ می‌شود؛ برق پاک یا سوخت‌های فسیلی.

گزارش سال ۲۰۲۰ سازمان غیردولتی «ترنسپورت اند انوایرومنت» نشان داد خودروهای برقی در همه سناریوها از خودروهای دیزلی و بنزینی عملکرد بهتری دارند؛ حتی در شبکه‌های پرکربن مانند لهستان، جایی که حدود ۳۰ درصد پاک‌تر از خودروهای متعارف هستند.

در بهترین وضعیت، یعنی وقتی خودروی برقی با برق پاک کار می‌کند و باتری آن نیز با برق پاک تولید شده است، این خودروها در حال حاضر حدود پنج برابر پاک‌تر از گزینه‌های متعارف هستند.

چند کلمه ساده که می‌تواند هر دروغ گویی را رسوا کند؛

پنج نشانه زبانی دروغ گویی چیست؟

یورونیوز فارسی

پژوهش‌ها نشان داده‌اند تشخیص دروغ دشوار است، چون دروغ‌گوها رفتار یکسانی ندارند.

با این حال، دکتر کرستی کینگ می‌گوید آنچه می‌گوییم و چگونه می‌گوییم سرنخ‌هایی در اختیار شنونده می‌گذارد. به گفته او، دروغ‌گویی را می‌توان از روی ۵ الگوی زبانی متوجه شد:

تکرار

پژوهشی که در سال ۲۰۰۳ در مجله «بولتن روان‌شناختی» منتشر شد، نشان داد تکرار در گفتار باید زنگ هشدار را به صدا درآورد.

برایان کریکیت، پزشک استرالیایی که با تزریق انسولین شریک زندگی‌اش را کشت، در بازجویی چند بار ضمیر «من» را پشت سر هم تکرار کرد.

به گفته دکتر کینگ، لو دادن جزئیات بیشتر مستلزم ساختن دروغ‌های تازه است و به‌خاطر سپردن آن‌ها سخت‌تر.

پژوهشی در سال ۲۰۰۴ هم نشان داد این فشار ذهنی گفتار را آشفته و کم‌روان می‌کند.

چیدن اطلاعات به شکل معکوس

ما معمولاً ماجرا را به ترتیب زمانی تعریف می‌کنیم، اما در شرایط اضطراری مهم‌ترین نکته را اول می‌گوییم.

پژوهشی در سال ۲۰۱۲ نشان می‌دهد دروغ‌گوها معمولاً بیش از راست‌گوها حرف می‌زنند. در تماسی دیگر در سال ۲۰۱۳، مردی که خودش به همسایه‌اش شلیک کرده بود، خبر تیراندازی را تا انتهای حرف‌هایش پنهان نگه داشت.

زبان فاصله‌گذار

وقتی از کسی یا چیزی خوشمان نمی‌آید، ناخودآگاه با کلماتی مثل «آن مرد» یا «اون همسایه‌ها» از او فاصله می‌گیریم. نشانه مشکوک آنجاست که این زبان درباره کسی



به کار رود که گوینده نباید نسبت به او حس منفی داشته باشد.

توماس لنگ، پزشک بازنشسته استرالیایی که شریک زندگی‌اش را در برزبین کشت، هنگام گزارش خودکشی ادعایی او گفت صبح بیدار شده و «این» را پیدا کرده است؛ نه نامی از او برد و نه ضمیری.

نبود جزئیات حسی

وقتی تجربه‌ای شوکه‌کننده را واقعاً از سر گذرانده‌ایم، از دیده‌ها، شنیده‌ها و حس‌های بدنی‌مان حرف می‌زنیم. رایان لاکتی، شناگر آمریکایی، در المپیک ۲۰۱۶ برزیل درباره سرقت مسلحانه‌ای دروغ گفت تا پنهان کند او و هم‌تیمی‌هایش به یک پمپ‌بنزین خسارت زده‌اند.

روایت او پر از تکرار بود و تقریباً هیچ توصیف حسی نداشت. پژوهشی در سال ۲۰۰۳ هم نشان می‌دهد کسانی که دروغ می‌گویند، توصیف حسی کمتری به کار می‌برند.

به گفته کینگ، دلیلش این است که حافظه‌ای ساختگی به تجربه حسی واقعی گره نخورده است.

پنهان شدن پشت «ما»

دروغ‌گوها گاهی از گفتن «من» پرهیز می‌کنند، چون این ضمیر آن‌ها را تنها زیر نور می‌گذارد. جمع بستن، پناه بردن به جمعیت است.

مارک رابینسون، معاون سابق فرماندار کارولینای شمالی، وقتی در سال ۲۰۱۳ به نوشتن نظرات نژادپرستانه در یک وب‌سایت متهم شد، گفت این حرف‌ها «از ما نیست»؛ بعدها اعتراف کرد خودش نوشته بود.

استیون مک‌دنیل هم در مصاحبه‌ای درباره ناپدید شدن لورن گیدینگز، هر بار که جمله خود را با «من» آغاز می‌کرد، به «ما» تغییرش می‌داد. او سال ۲۰۱۴ به قتل اعتراف کرد و به ۳۰ سال تا حبس ابد محکوم شد.

به گفته کینگ، دروغ‌گو بودن کار آسانی نیست و شنیدن دقیق‌تر، کار او را سخت‌تر هم می‌کند.

نه به «جنگ و تورم» در نظرسنجی‌ها

۷۱ درصد آمریکایی‌ها خواستار پایان درگیری با ایران هستند

یورونیوز فارسی

نتایج مجموعه‌ای از نظرسنجی‌های جدید نشان می‌دهد که افکار عمومی در ایالات متحده، پیامی کاملاً شفاف و قاطع برای سیاستمداران واشنگتن دارد: «جنگ با ایران را پایان دهید و به بحران هزینه‌های زندگی رسیدگی کنید.»

داده‌های نظرسنجی مشترک «رویترز/ایپسوس» تصویر روشنی از دلایل شکست سنگین جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای اخیر ارائه می‌دهد؛ انتخاباتی که در آن، رأی‌دهندگان آمریکایی با نسبت خیره‌کننده «۳ به ۱» از حمایت نامزدهای طرفدار جنگ امتناع کردند و اقتصاد را بر اهداف نظامی ارجح دانستند.

بر اساس نتایج این نظرسنجی رویترز، ۷۱ درصد از آمریکایی‌ها از کنگره جدید که اکنون اکثریت آن در دست دموکرات‌هاست، می‌خواهند برای پایان دادن به جنگ با ایران و لغو تعرفه‌های اعمال‌شده توسط دونالد ترامپ اقدام کند.

نکته قابل‌تأمل اینجاست که این درخواست تنها مختص به مخالفان دولت نیست؛ بلکه این اکثریتِ ۷۱ درصدی، شامل ۹۳ درصد از دموکرات‌ها و ۵۱ درصد از جمهوری‌خواهان می‌شود که نشان‌دهنده یک اجماع فراحزبی علیه این جنگ است.

در انتخابات میان‌دوره‌ای هفته گذشته، دموکرات‌ها به بزرگترین اکثریت خود در مجلس سنا و مجلس نمایندگان (دست کم از سال ۲۰۰۸ تاکنون) دست یافتند؛ نتیجه‌ای که واکنش تند رأی‌دهندگان علیه جمهوری‌خواهانِ حامی ترامپ به هزینه‌های سنگین زندگی متأثر از جنگی بسیار نامحبوب، ارزیابی شد.

بخش کوچکتر اما همچنان قابل توجه (۶۲ درصد) از پاسخ‌دهندگان به نظرسنجی رویترز/ایپسوس اعلام کردند که از تلاش برای لغو تعرفه‌های وارداتیِ وضع‌شده توسط دولت ترامپ حمایت می‌کنند.

جنگ با ایران موجب افزایش شدید قیمت سوخت شده و به تورمی دامن زده که پیش‌تر نیز تحت تأثیر مالیات‌های جدید ترامپ بر صدها کالای وارداتی تشدید شده بود.

ترامپ از این جنگ دفاع کرده و آن را برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای ضروری دانسته است. او همچنین مدعی است که تعرفه‌ها با محافظت از صنایع آمریکا در برابر واردات ارزان‌قیمت، به تقویت این صنایع کمک خواهند کرد.

رهبران حزب دموکرات وعده داده‌اند که با آغاز به کار کنگره جدید در سوم ژانویه، رسیدگی به بحران معیشت را در اولویت قرار دهند و تلاش کنند به جنگ با ایران و همچنین سیاست‌های تعرفه‌ای ترامپ پایان دهند.

هزینه‌های زندگی در اولویت

نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد ۹۰ درصد از مردم معتقدند مسئله «هزینه‌های زندگی» باید اولویت اصلی و بی‌چون‌وچرای کنگره در ۱۰۰ روز نخست کاری‌اش باشد و مسائلی نظیر قانون‌گذاری برای هوش مصنوعی، تغییرات اقلیمی و اصلاحات مهاجرتی در رده‌های بعدی اهمیت قرار دارند.

اکثریت قابل‌توجهی از شرکت کنندگان در این نظرسنجی از هر دو حزب سیاسی اظهار داشتند که بسیار مهم است ترامپ برای همکاری با دموکرات‌ها تلاش کند و رهبران دموکرات در کنگره جدید نیز برای همکاری با رئیس‌جمهور گام بردارند.

هشدار به دموکرات‌ها: انتقام‌جویی سیاسی ممنوع!

با وجود پیروزی قاطع دموکرات‌ها، افکار عمومی آمریکا خواستار همکاری دوحزبی است و انتقام‌جویی سیاسی را رد می‌کند.

بسیاری از آمریکایی‌ها نگرانند که دموکرات‌ها از قدرت جدید خود صرفاً برای به جریان انداختن پرونده‌های حقوقی علیه ترامپ استفاده کنند.

نظرسنجی رویترز نشان می‌دهد که ۴۲ درصد از مردم معتقدند تلاش کنگره جدید برای استیضاح ترامپ «برای کشور مضر» خواهد بود و تنها ۳۳ درصد آن را مثبت ارزیابی می‌کنند.

بحران محبوبیت برای هر دو حزب

در انتخابات میان‌دوره‌ای هفته گذشته، دموکرات‌ها به بزرگترین اکثریت خود در مجلس سنا و مجلس نمایندگان (دست کم از سال ۲۰۰۸ تاکنون) دست یافتند؛ نتیجه‌ای که واکنش تند رأی‌دهندگان علیه جمهوری‌خواهانِ حامی ترامپ به هزینه‌های سنگین زندگی متأثر از جنگی بسیار نامحبوب، ارزیابی شد.

نظرسنجی رویترز و ایپسوس که در سطح ملی و از میان ۱۷۰۵ بزرگسال آمریکایی (با حاشیه خطای ۲ درصد) انجام شده، نشان می‌دهد که محبوبیت ترامپ با رسیدن به ۳۲ درصد، در پایین‌ترین سطح دوران حیات سیاسی او قرار دارد.

با این حال، دموکرات‌ها نیز چندان محبوب نیستند؛ تنها ۴۵ درصد از مردم دیدگاه مثبتی به حزب دموکرات دارند (در برابر ۵۱ درصد نگاه منفی). وضعیت برای حزب جمهوری‌خواه بحرانی‌تر است و ۶۰ درصد از مردم آمریکا دیدگاهی منفی نسبت به این حزب پیدا کرده‌اند.

در نهایت، افکار عمومی آمریکا با پیامی رساتر از همیشه که از دل صندوق‌های رأی و نظرسنجی‌ها بیرون آمده، به واشنگتن گوشزد کرده است که کاسه صبرش در برابر ماجراجویی‌های نظامیِ پرهزینه و سیاست‌های اقتصادیِ تورم‌زا لبریز شده و اکنون تنها منتظر اقدامات عملی برای بازگرداندن ثبات به اقتصاد خانوارهاست.



سال نهم / شماره ۷۳
آبان‌ماه ۱۴۰۵

از سال ۱۴۲۲ تعداد سالمندان از جوانان بیشتر می‌شود

ایسنا

رئیس سازمان بهزیستی کشور گفت: در فاصله سال‌های ۱۴۲۰ تا ۱۴۲۲، سهم جمعیت سالمند و جوان به یکدیگر نزدیک می‌شود و از سال ۱۴۲۲ به بعد، تعداد سالمندان از جوانان نیز بیشتر خواهد شد. این روند به معنای بسته شدن پنجره جمعیتی ایران است، در حالی که کشورهایی مانند پاکستان و افغانستان همچنان از جمعیت جوان قابل‌توجهی برخوردار خواهند بود و این مسئله از منظر آینده جمعیتی و هویت ایرانی نیز اهمیت دارد.

سید جواد حسینی در سومین کنگره بین‌المللی سالمندی فعال اظهار کرد: به‌عنوان دبیر شورای ملی سالمندان کشور، مباحث خود را در سه محور ارائه می‌کنم، نخست اینکه از نظر جمعیتی در چه وضعیتی قرار داریم، دوم اینکه آیا وضعیت کنونی مخاطره‌آمیز است یا می‌تواند فرصت‌آفرین باشد و سوم اینکه اگر نشانه‌های مخاطره‌آمیزی در پدیده سالمندی وجود دارد، برای تبدیل آن به سالمندی فعال، سالم و باکیفیت چه

اقداماتی باید انجام دهیم.

حسینی با تشریح معیارهای جمعیت‌شناختی طبقه‌بندی جوامع از نظر سالمندی بیان کرد: بر اساس یک قاعده جهانی، هنگامی که سهم جمعیت بالای ۶۰ سال در یک کشور به هفت درصد برسد، آن کشور وارد مرحله سالمندی می‌شود، سهم ۱۴ تا ۲۱ درصدی نشان‌دهنده جامعه سالمند، سهم ۲۱ تا ۲۷ درصدی بیانگر جامعه سالخورده و سهم بیش از ۲۷ درصد نیز نشان‌دهنده جامعه به‌شدت سالخورده است.

وی ادامه داد: اکنون حدود ۱۳ درصد جمعیت ایران، معادل بیش از ۱۰.۵ میلیون نفر، بالای ۶۰ سال هستند. بنابراین کشور در مراحل پایانی ورود به دوره سالمندی قرار دارد، اما سرعت بالای این تحول جمعیتی، در صورت نبود برنامه‌ریزی مناسب، می‌تواند مخاطرات جدی به همراه داشته باشد.

رئیس سازمان بهزیستی کشور با اشاره به سرعت بالای سالمند شدن جمعیت ایران گفت: ایران در میان پنج کشور جهان با سریع‌ترین روند رشد جمعیت سالمند قرار دارد و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۱۴۳۰ حدود ۳۱ تا ۳۲ درصد جمعیت کشور سالمند شوند و ایران به جامعه‌ای به‌شدت سالخورده تبدیل شود.

وی برای تشریح این سرعت به تغییرات آمار موالید و سالمندان اشاره کرد و افزود: از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۴، تعداد موالید کشور ۳۵ درصد کاهش یافته و از یک میلیون و ۳۸۲ هزار و ۱۲۱ تولد در سال ۱۳۹۰ به ۸۹۲ هزار و ۲۸۲ تولد در سال ۱۴۰۴ رسیده است. در مقابل، جمعیت سالمند کشور در همین بازه زمانی ۵۴ درصد افزایش یافته و سهم افراد بالای ۶۰ سال از ۸.۲ درصد به نزدیک ۱۳ درصد رسیده است.

وی با بیان اینکه این تغییرات دو تحول ساختاری و پارادایمی در جمعیت کشور ایجاد می‌کند، اظهار کرد: نخستین تحول، کاهش سهم کودکان در مقابل افزایش سریع جمعیت سالمندان است که می‌تواند جامعه را به سمت کاهش حضور کودکان، افزایش کودکان تنها و حتی تضعیف هویت کودکی سوق دهد.

حسینی ادامه داد: در حال حاضر حدود ۱۶ درصد جمعیت ایران را افراد زیر ۱۵ سال تشکیل می‌دهند، در حالی که پیش‌بینی می‌شود سهم این گروه تا سال ۱۴۲۹ به ۱۵.۸ درصد کاهش یابد. در مقابل، سهم سالمندان که در سال ۱۳۸۴ حدود ۷.۳ درصد بوده، تا سال ۱۴۲۹ به ۳۰.۴ درصد خواهد رسید؛ به این ترتیب، سهم جمعیت سالمند طی ۴۵ سال حدود ۳۱۶ درصد افزایش پیدا می‌کند و در آن سال از هر سه ایرانی، تقریباً یک نفر سالمند خواهد بود.

وی با اشاره به اینکه سهم جمعیت سالمند و کودک تا سال ۱۴۱۵ به یکدیگر نزدیک می‌شود، افزود: از سال ۱۴۱۵ به بعد، تعداد سالمندان از تعداد کودکان پیشی خواهد گرفت.

رئیس سازمان بهزیستی کشور خاطرنشان کرد: تصویب کنوانسیون حقوق سالمندی، توسعه اقتصاد نقره‌ای، گسترش خدمات مراقبت بلندمدت و افزایش تاب‌آوری سالمندان از جمله محورهایی است که در برنامه‌های آتی دنبال می‌کنیم.



یک عادت رایگان می‌تواند سلامت روان فرزندتان را تقویت کند

یورونیوز فارسی

به گفته یک مطالعه جدید، رفتن به پارک می‌تواند به سلامت روان و مهارت‌های اجتماعی کودکان در دوران رشد کمک کند.

پژوهشگران دریافتند کودکانی که از زمان تولد تا ۱۱ سالگی دست‌کم هفته‌ای یک بار به پارک برده شدند، به طور میانگین در ارزیابی‌های سلامت روان خود ۱۶.۵ درصد امتیاز بالاتری نسبت به کودکانی کسب کردند که در همان دوره کمتر از هفته‌ای یک بار به پارک می‌رفتند. این مزایا حتی پس از در نظر گرفتن وضعیت اجتماعی‌اقتصادی و مشکلات خانوادگی نیز پابرجا ماند.

مارک فرگوسن، سرپرست این پژوهش از دانشگاه اکستر در بریتانیا، گفت: «پارک‌ها به کودکان فضایی می‌دهند تا از نظر بدنی فعال باشند، امری که می‌دانیم از سلامت روان و جسم حمایت می‌کند و همچنین با کمک به بازی‌های ماجراجویانه و خلاقانه، باعث تقویت اعتماد به نفس و استقلال آن‌ها می‌شود.»

او افزود: «ما بر این باوریم که پارک‌ها می‌توانند چیزی فراتر از یک محل بازی باشند و به عنوان منبعی مهم برای رشد سالم کودکان عمل کنند.»

این مطالعه شامل ۴۲۱۹ شرکت‌کننده بود و بر رشد اجتماعی-هیجانی تمرکز داشت؛ مهارت‌هایی که کودکان برای مدیریت احساسات، ایجاد روابط، رفتار مناسب و مقابله با چالش‌های روزمره به آن‌ها نیاز دارند.

نویسندگان یادآور شدند رشد قوی اجتماعی-هیجانی، پایه‌ای مهم برای سلامت روان خوب در دوران کودکی و سال‌های بعدی زندگی است.

در این مطالعه مشخص شد کودکانی که در دوره‌هایی بیشتر به پارک می‌رفتند، در آن مقاطع رشد اجتماعی-هیجانی بهتری از خود نشان می‌دادند. کودکانی که در مجموع بیشتر به پارک سر می‌زدند نیز نسبت به آن‌هایی که کمتر به پارک می‌رفتند، وضعیت مطلوب‌تری داشتند.

رفتن به پارک با بهبود هر دو گروه از رفتارها مرتبط بود؛ هم رفتارهای درونی‌سازی‌شده مانند علائم عاطفی و مشکلات با همسالان و هم رفتارهای بیرونی‌سازی‌شده مانند مشکلات رفتاری و بیش‌فعالی یا بی‌توجهی.

پژوهشگران همچنین بررسی کردند که آیا رفتن به پارک و رشد اجتماعی-هیجانی بسته به پیش‌زمینه خانوادگی متفاوت است یا نه. به نظر می‌رسد کودکانی که در مناطق برخوردارتر زندگی می‌کنند، در سنین پایین‌تر بیشتر به پارک می‌رفتند، در حالی که کودکان خانواده‌های کمتر برخوردار، هرچه بزرگ‌تر می‌شدند بیشتر به پارک سر می‌زدند.

این مطالعه نشان می‌دهد پارک‌ها و زمین‌های بازی می‌توانند به کاهش نابرابری‌ها در رشد کودکان کمک کنند، اما فقط در صورتی که استفاده از آن‌ها برای همه خانواده‌ها آسان باشد.

فرگوسن گفت برای آن‌که پارک‌ها مفید باشند، «جامعه‌ها به پارک‌هایی با کیفیت خوب نیاز دارند که امن، در دسترس و برای خانواده‌ها از هر پیش‌زمینه‌ای خوشایند باشند.»



تحقیر نهایی و نابودکننده روح ما

هشدار درباره موسیقی تولیدشده با هوش مصنوعی

یورونیوز فارسی

موسیقیدان افسانه‌ای نیک کیو دیدگاه خود را درباره استفاده از هوش مصنوعی مطرح کرده و گفت: «مطمئن نیستم این فناوری جنجالی جهان را نجات خواهد داد یا آن را نابود خواهد کرد.»

در تازه‌ترین شماره خبرنامه «رد هند فایلز»، کیو به پرسش یکی از هواداران درباره هوش مصنوعی پاسخ داد: «هوش مصنوعی ممکن است جهان را نجات دهد، آن را نابود کند یا کاری میان این دو انجام دهد. نمی‌دانم.»

کیو در ادامه و در اشاره به نقش فزاینده هوش مصنوعی در موسیقی تازه گفت: «به نظر من، پلتفرم‌های تولید ترانه نشانه‌های ظرفیت اهریمنی این فناوری نوپا برای تهی کردن تلاش انسانی و قطع پیوند ما با امر الهی هستند.»

او توضیح داد: «این پلتفرم‌ها خود آفرینش را به سخره می‌گیرند، چون انسان را غیرضروری می‌کنند، ثمره تلاش انسان را می‌گیرند و آن را به صرفِ محصولی ساده فرو می‌کاهند. این شاید آخرین و ویرانگرترین خفت ما برای روح‌مان باشد.»

این موسیقیدان از منتقدان صریح هوش مصنوعی بوده و پیش‌تر آن را «به شکلی باورنکردنی نگران‌کننده» خوانده و پیش‌تر به چت‌جی‌پی‌تی گفته بود «گمشو و دست از دخالت در ترانه‌نویسی بردار». او همچنین فاش کرد که تعداد زیادی متن ترانه تولیدشده با هوش مصنوعی دریافت کرده که «به سبک نیک کیو» نوشته شده بودند و او آن‌ها را «تمسخر چندش‌آورِ معنای انسان بودن» توصیف کرد.

به نظر می‌رسید او سال گذشته تا حدی از موضع سخت‌گیرانه خود عقب‌نشینی کرده باشد. کیو در پاسخ به پرسش یکی از هواداران درباره فیلم «توپلو» ساخته کارگردان اندرو دومینیک که در آن از هوش مصنوعی استفاده شده است، و این که آیا تغییر نظر نشانه ضعف است یا نه، اذعان کرد که تغییر دیدگاه‌های پیش‌تر سخت و غیرقابل انعطاف می‌تواند نشانه‌ای از قدرت باشد.

کیو درباره ویدیوی مبتنی بر هوش مصنوعی که برای چهلمین سالگرد ترانه «توپلو» ساخته شد، نوشت: «وقتی فیلم کوچک و سوررئال اندرو را تماشا کردم، احساس کردم نگاه‌ام به هوش مصنوعی به عنوان یک ابزار هنری نرم‌تر شد. تا حدی نظرم عوض شد.» او پذیرفت که این تصاویر ویدئویی «غریب» بودند، چرا که در این ویدیو از هوش مصنوعی برای جان‌بخشیدن به تصاویر ثابت آرشیویِ الویس پرسلی استفاده شده بود.

در آن زمان، کیو گفت که عکس‌های متحرک‌شده با هوش مصنوعی از پرسلی «کیفیتی غریب داشتند، انگار او از مردگان برخاسته بود و تصاویر مصلوب‌شدن و رستاخیز در پایان هم شوکه‌کننده و هم عمیقاً تاثیرگذار بودند.»

اکنون به نظر می‌رسد کیو دوباره به محکوم کردن هوش مصنوعی مولد در همه اشکالش بازگشته است، به ویژه وقتی پای ترانه‌نویسی در میان است.

وقتی یکی دیگر از هواداران از او پرسید آیا می‌توان اثر هنری را از هنرمند جدا کرد، بحثی که قرن‌هاست میان هنرمندان و دوستداران فرهنگ جریان دارد، کیو پاسخ داد: «ما نمی‌توانیم هنر را از هنرمندان جدا کنیم، زیرا آن‌ها به اندازه موج‌ها و دریایی که از آن برمی‌خیزند از هم جدایی‌ناپذیرند. این شاید برای بعضی‌ها حقیقتی ناراحت‌کننده باشد، اما برای من این موضوع حل شده بود. تاحالا.»

او ادامه داد: «با ظهور پلتفرم‌های تولید ترانه، این مسئله پیچیده زیر و رو شده است. سرانجام، می‌توان هنرمند را از اثر هنری جدا کرد. نه فقط این، بلکه هنرمند، این مشکل پرنقص، آشفته، شکسته، مغموم و سرشار از شادی، را می‌توان به طور کامل از معادله حذف کرد، مثل هرچیز بی‌ارزش دیگری.»

او در اشاره‌ای انتقادی به پلتفرم تولید ترانه با هوش مصنوعی «سونو» ادامه داد: «سونو، «لغوکننده بزرگ»، که هرگز عشق نورزیده، نخندیده یا سوگواری نکرده، هرگز شادی یا فقدان یا دل‌شکستگی را تجربه نکرده و هرگز ملال و کشف ناگهانیِ کنارِ آن را احساس نکرده است، در عرض ۱۵ ثانیه تقلیدی از روح، یعنی یک ترانه، تولید می‌کند. این توهینی است به هر ترانه‌سرایی که در این جهان زندگی و مبارزه کرده و حق خلق ترانه را به دست آورده است.»

او در پایان گفت: «برای کسانی که مشتاق‌اند جهان را از هنرمندان مسئله‌دار پاک کنند، و این نیروهای سانسورگر همچنان پابرجا هستند، این حتماً دلیلی برای جشن گرفتن است، چون این پلتفرم‌ها وعده می‌دهند که جهان را به طور کلی از هنرمندان خالی کنند.»

از خیابان‌های شهر تا قله‌های دانش

پاکبانی که نمی‌خواهد مدرک دکترایش خاک بخورد

روزنامه ایران

هر روز قبل از اینکه خورشید طلوع کند، پاکبان‌ها در خیابان مشغول کارند؛ با همان لباس نارنجی و آبی که برایشان نشان افتخار است. محسن محمدزاده‌اصل هم یکی از همین پاکبان‌هاست. او ۱۷ سال قبل، در زمستان ۸۷، وقتی با تحقیر پیمانکار درباره لباس کارش مواجه شد، تصمیم گرفت مسیر زندگی‌اش را تغییر دهد. محسن آن زمان حتی دیپلم هم نداشت، اما امروز دانشجوی دکترای مدیریت منابع انسانی است. داستان او، داستان شکستن کلیشه‌هاست؛ جوانی که ثابت کرد هیچ شغلی مانع رسیدن به آرزوها نیست، اگر اراده‌ای پولادین پشت آن باشد.

محسن محمدزاده‌اصل، جوان متولد سال ۱۳۶۴ و ساکن کرج، هنوز آن روز را با تمام جزئیات به خاطر دارد. او می‌گوید: «مسیر تحصیلی من از دانشگاه آغاز نشد، با یک اتفاق تلخ در محیط کار آغاز شد. سال ۸۷ بود، یک روز سرد زمستانی که لباس کار مناسب به ما نداده بودند و من با لباس شخصی کار می‌کردم، یکی از نیروهای پیمانکاری با لحنی نامناسب به من گفت: «اگر سردت هست، برو خانه و کار نکن!» همین جمله او به من تلنگر زد که باعث شد بفهمم باید خودم را تغییر دهم. هرچند شاید آن شخص از نظر مقررات اداری درباره لباس کار حق داشت، اما شیوه بیانش باعث شد مسیر زندگی‌ام عوض شود. من بعدها حتی از او تشکر کردم، چون باعث شد تحصیل را دوباره شروع کنم، دیپلم بگیرم و تا همین حالا که دانشجوی دکترای مدیریت هستم تحصیل را ادامه دهم. رشته مدیریت منابع انسانی را انتخاب کردم، چون فهمیدم پشت همه مسائل سازمانی، انسان قرار دارد و به باور من نیروی انسانی بزرگ‌ترین سرمایه هر سازمان است و من این موضوع را نه فقط در کتاب‌ها، که با گوشت و پوست در محیط کاری‌ام تجربه کرده‌ام.»

او می‌گوید: «در سال‌های کودکی و نوجوانی، وقتی از من می‌پرسیدند در آینده می‌خواهی چه‌کاره شوی، بدون معطلی می‌گفتم، استاد دانشگاه. آن روزها نمی‌دانستم رسیدن به این آرزو از چه مسیری می‌گذرد؛ مسیری که از کار پاکبانی آغاز می‌شود و با ادامه تحصیل، من را تا مقطع دکتری می‌رساند. در نوجوانی که آرزوی استاد دانشگاه شدن داشتم،



در سال‌های کودکی و نوجوانی، وقتی از من می‌پرسیدند در آینده می‌خواهی چه‌کاره شوی، بدون معطلی می‌گفتم، استاد دانشگاه. آن روزها نمی‌دانستم رسیدن به این آرزو از چه مسیری می‌گذرد؛ مسیری که از کار پاکبانی آغاز می‌شود و با ادامه تحصیل، من را تا مقطع دکتری می‌رساند.

تصورش را هم نمی‌کردم که مسیر رسیدن به این آرزویم، از خیابان‌ها و لباس کار پاکبانی بگذرد؛ مسیری که انگار از نقطه صفر شروع شد و با کار و تحصیل همزمان، پله‌پله طی شد.»

او توضیح می‌دهد: «امروز که به گذشته نگاه می‌کنم، می‌بینم آرزوی نوجوانی‌ام شکل واقعی‌تری پیدا کرده است. همه هدفم این است که دانشم را فقط برای گرفتن مدرک به کار نگیرم و بتوانم از آن برای حل مسائل سازمان‌ها و جامعه استفاده کنم.»

پاکبانی برای محسن، فقط انتخابی فردی نبوده؛ پدرش هم سال‌ها در همین شغل کار کرده و با بازنشستگی از آن، بخشی از مسیر خانوادگی را برای پسرش به جا گذاشته است. محسن می‌گوید: «آنچه بیش از عنوان شغلی پدرم در من اثر گذاشت، نگاه او به کار و خدمت و نان حلال بود. پدرم همیشه بر کمک به دیگران و اینکه بتوانم منشأ اثر باشم تأکید می‌کرد. از او یاد گرفتم ارزش آدم‌ها را نباید فقط با عنوان شغلی یا میزان درآمدشان سنجید. اگر کاری را درست انجام دهم و از راه آن به دیگران خدمت کنم، آن کار ارزشمند است. این نگاه در سال‌های کار و تحصیل همیشه همراهم است؛ برای همین پاکبانی را صرفاً وسیله‌ای برای تأمین معاش نمی‌دانم. پاکبانی برای من فقط یک شغل نیست؛ هویت کاری و زندگی من است.»

او می‌گوید: «من حین کار همزمان در ذهنم به مفاهیم پیچیده مدیریت منابع انسانی یا نظریه‌های مدیریت شهری فکر می‌کنم، برای من این دو دنیا کاملاً مکمل یکدیگر هستند. این یعنی من مدیریت منابع انسانی را فقط از پشت میز یاد نگرفته‌ام. من درباره این موضوع مطالعه می‌کنم، اما خودم هم یکی از همان نیروهای انسانی هستم که در سازمان فعالیت می‌کند. با مسائلی مثل محیط کار، انگیزه، امنیت شغلی، عدالت سازمانی و رابطه مدیر و کارمند، از نزدیک دست‌وپنجه نرم می‌کنم. گاهی یک مفهوم مدیریتی که در کتاب می‌خوانم، در محیط واقعی کار، معنای متفاوتی پیدا می‌کند.»

محسن با اعتقاد به اینکه دانش آکادمیک بدون لمس واقعیت‌های زندگی کارگری، ناقص است، می‌گوید: «اگر مدیریت منابع انسانی بخواهد واقعاً اثربخش باشد، باید بتواند میان دانش آکادمیک و تجربه زیسته کارکنان، ارتباطی مستقیم برقرار کند؛ چیزی که من سعی می‌کنم در پژوهش‌هایم به آن برسم.»

پاکبانی، سرمایه اجتماعی و حرفه‌ای من است

برای محسن، پوشیدن لباس پاکبانی فقط ادامه مسیر کاری پدرش نیست؛ او در سال‌های اول، بدون تحصیلات دانشگاهی و به واسطه فضای خانوادگی وارد این شغل شد، اما امروز نگاهی کاملاً متفاوت به آن دارد. محسن در این باره توضیح می‌دهد: «از اینکه سابقه پاکبانی دارم و هنوز هم در این کار مشغول هستم، به هیچ عنوان احساس شرمندگی نمی‌کنم. اتفاقاً فکر می‌کنم این تجربه، بخشی از سرمایه اجتماعی و حرفه‌ای من است. یادگیری کار از کف سازمان و دیدن واقعیت‌های میدانی، نعمتی است که هر کسی در مسیر پیشرفت سازمانی تجربه نمی‌کند. گاهی وقت‌ها که پسرم دوست دارد با من سر کار بیاید، او را به محل کار می‌برم. می‌خواهم محیط را ببیند و به صورت مستقیم با زحمات شبانه‌روزی پاکبانان و سبزبانان ارتباط برقرار کند.»

به‌گفته محسن، پاکبانی مثل هر شغل دیگری مانند دو روی یک سکه است؛ یک رویش سختی‌ها و روی دیگرش، لذتی است که فقط خود شاغل آن را درک می‌کند. او در این باره می‌گوید: «پاکبانی از بیرون ممکن است یک کار ساده به نظر برسد، اما در واقعیت، هم از نظر جسمی و هم روانی، فشار زیادی دارد. ما صبح‌های خیلی زود، در سرما یا گرمای طاقت‌فرسا، مدام درگیر کار فیزیکی هستیم، اما این بخشی از ماجراست؛ مشکل اصلی، خود سختی کار پاکبانی نیست؛ نگاهی است که بر ما تحمیل می‌شود. در واقع مشکل پاکبان‌ها، خود شغل‌شان نیست، مسأله این است که متأسفانه گاهی شأن انسانی فرد را با عنوان شغلی‌اش اشتباه می‌گیریم. این نگاه تقلیل‌گرایانه، نه‌تنها به افراد، بلکه به کل سیستم آسیب می‌زند.

یک سازمان یا جامعه موفق، جایی است که بتواند میان عنوان شغلی، تخصص، مسئولیت و کرامت انسانی، تفکیک قائل شود. جامعه برای حرکت به سمت جلو، به همه تخصص‌ها نیاز دارد؛ به پاکبان، پرستار، کارمند، استاد دانشگاه، آتش‌نشان و مدیر. هرکدام از اینها نقش‌های متفاوتی دارند، اما این تفاوت در نقش، هرگز نباید به معنای تفاوت در کرامت انسانی باشد. اینها دو مقوله جدا از هم هستند که در جامعه باید به‌درستی به آنها پرداخته شود؛ نه اینکه یکی را فدای دیگری کنیم.» او درباره شیرینی‌های شغلش می‌گوید: «ما اتفاقات و لحظات شیرینی را در حین کار داریم که همه این سختی‌ها را در نظرمان کمرنگ می‌کند.

من بخش زیادی از روز را در محیط کار سپری می‌کنم و بعد از آن باید برای مطالعه و نوشتن انرژی بگذارم. اما در این مسیر، بیش از مدیریت زمان، یاد گرفتم که مدیریت انرژی داشته باشم. چون ساعات روز از نظر کیفیت ذهنی برای انسان یکسان نیست، زمان‌هایی را که تمرکز ذهنی بالاتری دارم به مطالعه و نوشتن اختصاص می‌دهم. اما باید این را هم بگویم؛ من در زندگی همسری دارم که پابه‌پایم در این مسیر آمده و از خواسته‌های خودش گذشته است. اگر حمایت همسرم نبود، ادامه دادن این مسیر برایم بسیار سخت می‌شد.

چند ساعت پس از شروع کار، وقتی می‌بینم خیابان تمیز شده و فضا تغییر کرده، حس می‌کنم بخشی از کیفیت زندگی روزمره مردم را بهتر کرده‌ام؛ این تأثیر مستقیم و مثبت بر زیبایی شهر، حس بی‌نظیری برایم دارد.»

محسن درباره اینکه چطور میان سنگینی کار فیزیکی در صبح‌های زود و تمرکز ذهنی برای پژوهش و نوشتن تعادل برقرار می‌کند، می‌گوید: «واقعیت این است که هماهنگی کارها اصلاً کار آسانی نیست. من بخش زیادی از روز را در محیط کار سپری می‌کنم و بعد از آن باید برای مطالعه و نوشتن انرژی بگذارم. اما در این مسیر، بیش از مدیریت زمان، یاد گرفتم که مدیریت انرژی داشته باشم. چون ساعات روز از نظر کیفیت ذهنی برای انسان یکسان نیست، زمان‌هایی را که تمرکز ذهنی بالاتری دارم به مطالعه و نوشتن اختصاص می‌دهم. اما باید این را هم بگویم؛ من در زندگی همسری دارم که پابه‌پایم در این مسیر آمده و از خواسته‌های خودش گذشته است. اگر حمایت همسرم نبود، ادامه دادن این مسیر برایم بسیار سخت می‌شد. با وجود تمام مشکلات مالی که داشتیم و داریم، او همیشه تحصیل مرا در اولویت قرار می‌داد. بسیاری از نیازهای خودش را نادیده می‌گرفت و هزینه‌ای را که شاید حق او بود، صرف تحصیل من می‌کرد. من بخشی از این موفقیت را متعلق به او می‌دانم که همیشه در کنارم و یاورم بوده است.» در دورانی که برای خیلی‌ها مقاله، کتاب و مدرک دکتری، صرفاً نردبانی برای ارتقای رتبه، رسیدن به کرسی هیأت‌علمی یا ساختن رزومه‌ای برای مهاجرت است، انگیزه درونی این پاکبان از جنس دیگری است. او پژوهش را نه ابزاری برای فرار از واقعیت، بلکه پلی برای اصلاح آن می‌داند. محسن می‌گوید: «برای من پژوهش فقط وسیله‌ای برای مدرک گرفتن یا صرفاً ارتقای شغلی نیست؛ من می‌خواهم بخشی از تجربه‌هایی را که سال‌ها در محیط کار با گوشت و پوستم لمس کرده و با آنها زندگی کرده‌ام، به زبان علمی ترجمه کنم. اگر یک پژوهش بتواند باعث شود مدیری تصمیم بهتری برای نیروهایش بگیرد، اگر یک مقاله نگاه سازمان‌ها را نسبت به کارکنان تغییر دهد، یا حتی اگر یک ایده علمی بتواند شرایط کاری حتی یک نیروی انسانی را ذره‌ای بهتر و انسانی‌تر کند، رسالتم را انجام داده‌ام.»

او هدف نهایی و انگیزه درونی تمام این شب‌بیداری‌ها و جست‌وجوهای علمی‌اش را در یک جمله خلاصه می‌کند و می‌گوید: «می‌خواهم صدای تجربه کارگران و کارکنان سازمان را به زبان علم و مدیریت به گوش جامعه و تصمیم‌گیران برسانم.»

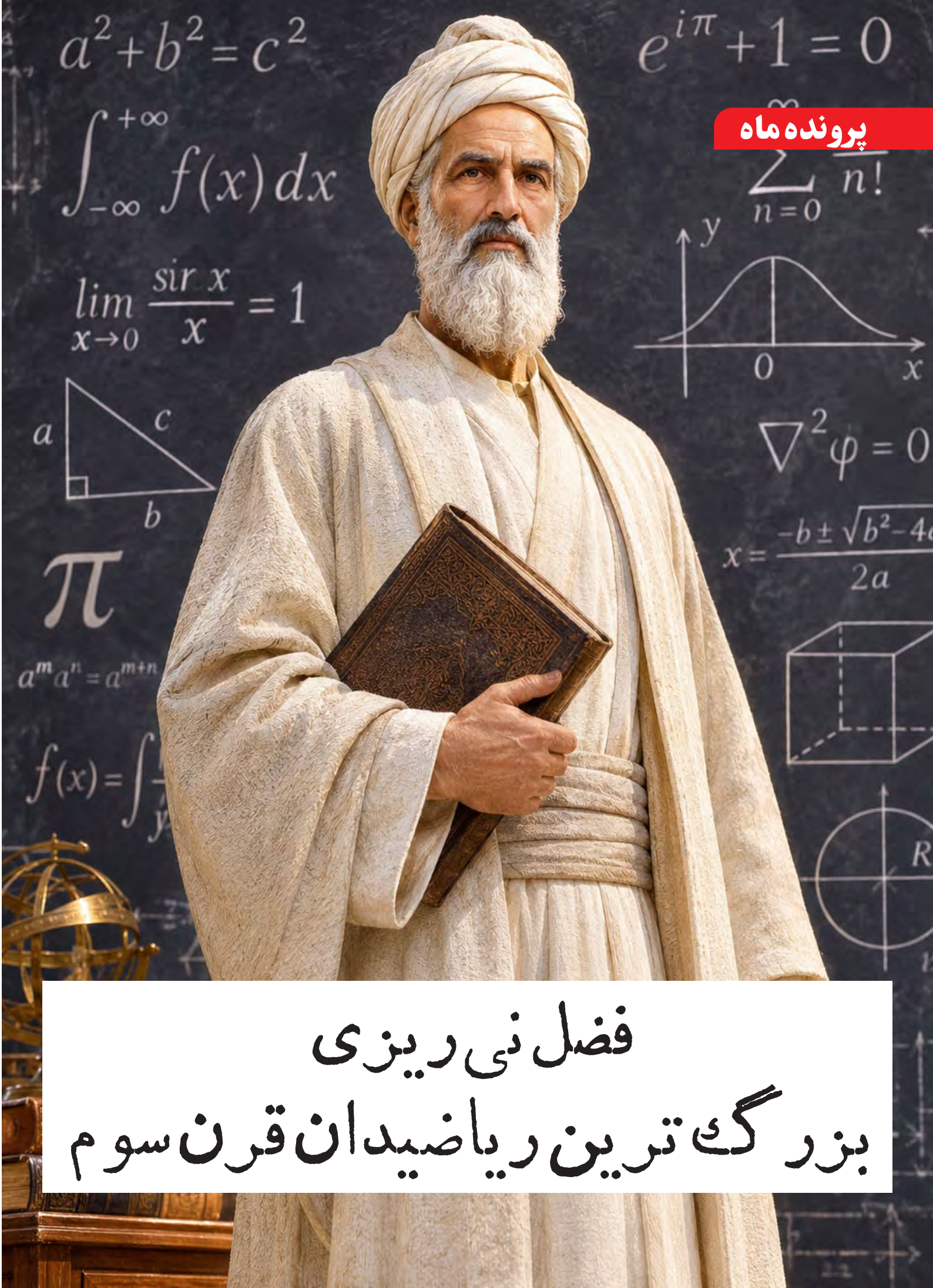
کتابی برای آنان که تسلیم نشدند

اگر روزی از زندگی، رنج‌ها و تجربیاتم کتابی بنویسم، عنوان آن را از قبل انتخاب کرده‌ام. محسن با بیان این جمله می‌گوید: «اسم آن کتاب را می‌گذارم «پاکبانی که گریه نکرد.» البته منظورم این نیست که در این مسیر هرگز خسته، دلگیر یا درمانده نشده‌ام؛ قطعاً روزهای سخت فراوانی داشته‌ام؛ چه از نظر روحی و روانی، چه از نظر جسمی و چه از حیث فشارهای مالی. اما همیشه تلاش کردم، اجازه ندهم هیچ مانع و سختی، من را متوقف کند. از روزی که بدون مدرک وارد این لباس کار شدم تا امروز که دانشجوی دکتری هستم، مسیر ساده‌ای نبود، اما رویای نوجوانی‌ام برای رسیدن به جایگاه استادی دانشگاه و تبدیل دانش به عاملی برای خدمت به مردم، همیشه پیش چشمم زنده می‌ماند.»

جامعه برای حرکت به سمت جلو، به همه تخصص‌ها نیاز دارد؛ به پاکبان، پرستار، کارمند، استاد دانشگاه، آتش‌نشان و مدیر. هرکدام از اینها نقش‌های متفاوتی دارند، اما این تفاوت در نقش، هرگز نباید به معنای تفاوت در کرامت انسانی باشد. اینها دو مقوله جدا از هم هستند که در جامعه باید به‌درستی به آنها پرداخته شود؛ نه اینکه یکی را فدای دیگری کنیم.

از روزی که بدون مدرک وارد این لباس کار شدم تا امروز که دانشجوی دکتری هستم، مسیر ساده‌ای نبود، اما رویای نوجوانی‌ام برای رسیدن به جایگاه استادی دانشگاه و تبدیل دانش به عاملی برای خدمت به مردم، همیشه پیش چشمم زنده می‌ماند.

پرونده ماه



فضل نی ریزی
بزرگ ترین ریاضیدان قرن سوم

ابوالعباس نی‌ریزی

ابوالعباس فضل بن حاتم، ریاضی‌دان و اخترشناس نی‌ریزی را که در پایان سده سوم و آغاز سده چهارم مهشیدی می‌زیسته باید در زمره بزرگترین دانشمندان ایران دانست که نام او حتی بر مدار ۱۹ جنوبی و نصف‌النهار ۳۵۲ کره ماه نیز گذاشته شده است.

ویکی‌پدیا درباره او می‌نویسد:

وی زاده نی‌ریز فارس و معاصر معتضد خلیفه عباسی بود. ابن ندیم نام او را در کتاب الفهرست ذکر نموده و از او به عنوان یکی از بزرگ‌ترین دانشمندان علم نجوم و هیئت نام برده‌است. منابع لاتین او را آناریتیوس (Anaritius) نامیده‌اند. ابوالعباس در ستاره‌شناسی، دنباله‌رو نگرش سامانه جهان زمین‌مرکز بطلمیوس بود. در زمینه ریاضیات نیز پژوهش‌هایی درباره هندسه اقلیدسی و مثلثات انجام داد. او اولین کسی است که کتانژانت را به کار برد و اولین کسی است که خط سیاه در رنگین کمان را کشف کرد و توضیح داد؛ و برای اولین بار کتابی در هواشناسی و ابزار آن نوشت. لبچوفسکی دنباله‌روی کارهای او بوده است. وی اثباتی بر قضیه فیثاغورس نوشت.

«شرح کتاب اصول اقلیدس»، «رسالة فی بیان‌المصادرة المشهورة الاقلیدس»، «تفسیر کتاب المجسطی»، «زیج کبیر» و «زیج صغیر» و «حوادث القرانات» از آثار اوست. نی‌ریزی خط مماس موسوم به ظل را که معادل تانژانت است به صورت یکی از خطوط اصلی در هندسه به کار برد.

وفات او را به سال ۳۱۰ مهشیدی در بغداد دانسته‌اند.

پرونده ماه این شماره نی‌تاک را به این دانشمند بزرگ اختصاص داده‌ایم.

به همین منظور از منابع مختلفی بهره برده‌ایم تا پرونده‌ای جامع از او آماده کنیم. هرچند اطلاعات کاملی از زندگی او در دست نیست. این که پدر و مادر او که بوده‌اند و تا چه سنی در نی‌ریز بوده. کی به بغداد رفته و همسر و فرزندان او چه کسانی بوده‌اند. حتی محل دفن او نیز بطور کلی بغداد ذکر شده و نشانی از سنگ قبر او نیست.

برای آگاهی و توضیحات بیشتر در مورد نظریات و آثار علمی فضل نی‌ریزی نگاه کنید به:

- شمس نیریزی، محمدجواد (۱۳۷۹) تاریخ و فرهنگ نیریز، نی‌ریز: انتشارات مجتمع فرهنگی هنری کوثرنور، صص ۱۱۴ تا ۱۳۹.

-قاسملو، فرید (۱۳۷۹) میراث علمی نی‌ریزی، گزارش کنگره بزرگداشت فضل‌بن حاتم نی‌ریزی/ ۲۷ و ۲۸ مهر ۱۳۷۸، شیراز: مرکز نشر دانشگاه شیراز، صص ۱۹۸ تا ۲۰۷.

روزشمار زندگانی ابوالعباس فضل بن حاتم نی ریزی

- ستاره‌شناس و ریاضیدان نامدار ایرانی در سده سوم و اوایل سده چهارم مهشیدی زاده نی ریز.
- مستشرقان غربی او را آناریتیوس نامیده‌اند.
- تحصیلات مقدماتی در زادگاه.
- آغاز نهضت علمی اسلامی در بغداد در زمان منصور، ابوجعفر عبدالله (حکومت: ۱۵۸ - ۱۳۶ مهشیدی)، دومین خلیفه عباسی و اوج آن در زمان مأمون (حک ۲۱۸ - ۱۹۸ مهشیدی).
- مهاجرت به بغداد مقارن با حکومت المعتضد بالله (حک ۲۸۹ - ۲۷۹ مهشیدی) شانزدهمین خلیفه عباسی همزمان با عصر طلایی علوم در بغداد.
- فضل بن حاتم ظاهراً تا اواخر دوره مکتفی بالله (حک ۲۹۵ - ۲۸۹) هفدهمین خلیفه عباسی در بغداد بود.
- شهرت و آوازه او به دربار خلفای عباسی نیز رسید. در کتاب تنقیح المناظر لذوی الابصار و البصائر حکایتی درباره وی آمده که نشان می‌دهد ابوالعباس در آن زمان از موقعیت و منزلت علمی و اجتماعی بسزایی برخوردار بوده است. در آن کتاب آمده است:

«و قد شوهدت قوس فی زمن بعض الخلفاء و فی‌ها طبقه سوداء فهال ذلک الخلیفه و من کان معه فروجع النیریزی و هو ابوالعباس الفضل بن حاتم شارح المجسطی فی ذلک و کان مع القوم، فاستکشف عن احوال النواحی الّتی کانت فی جهه الشمس عنهم فاخبر انّه قداجتمعت فی بعض تلک النواحی نمل سود لایحصی کثره فی قطعه عظیمه من الارض و تراکمت فحدس انّ الشمس قداشرقت علیها وانعکس الضوء عنها الی السحاب فحدث ذلک السواد و ذلک یتأتی علی اصل القوس لمن تأمل فان مثل تلک الصوره قد ترد الی البصر فی المنعطف بانعکاس».

ترجمه:

«در زمان یکی از خلفا، قوس و قزحی که در آن لایه سیاهی بود مشاهده شد. این مسئله، خلیفه و اطرافیانش را به وحشت انداخت. پس به ابوالعباس فضل بن حاتم نیریزی، شارح مجسطی که خود نیز در آن جمع بود، رجوع کردند. او علّت آن مسئله را بیان کرد و گفت».

شاید منظور از خلیفه در اینجا المکتفی بالله باشد.

- فضل بن حاتم در بغداد زیست و ظاهراً در همان جا نیز وفات یافت. تاریخ وفات او را در سال ۳۱۰ مهشیدی / ۹۲۲ میلادی گفته‌اند. برخی دیگر وفات او را در حدود ۳۰۹ مهشیدی دانسته‌اند.
- عالمان و دانشمندان نامداری چون ابوریحان بیرونی، حکیم عمر خیام و خواجه‌نصیرالدین طوسی در آثار خود از نوشته‌ها و تألیفات ابوالعباس نی‌ریزی بهره برده و به آراء و نظریات او استناد کرده‌اند.
- در منابعی چون الفهرست ابن ندیم (متوفی سده ۴ مهشیدی)، طبقات الامم قاضی ابوالقاسم صاعد بن احمد اندلسی (متوفی ۴۶۲ مهشیدی)، چهارمقاله نظامی عروضی سمرقندی (متوفی سده ۶ مهشیدی) و تاریخ الحکماء قفطی (متوفی ۶۹۶ مهشیدی) نیز او را ستوده‌اند.
- ابن‌ندیم درباره او گفته است: «النیریزی و هو ابوالعباس الفضل بن حاتم النیریزی، ممن یشارالیه فی علم النجوم و سیما فی علم الهیئه»؛ یعنی این که ابوالعباس نیریزی در علم نجوم به‌ویژه هیئت انگشت‌نما و شاخص بود.
- مؤلف طبقات الامم او را ازجمله بزرگان و نامداران علم نجوم و هیئت خوانده و قفطی گفته است که او «فاضلی متقدم، در علم هندسه و هیئت و حرکات نجوم متبحر بوده». همچنین نظامی عروضی در چهارمقاله، شرح ابوالعباس بر المجسطی را «بهترین تفسیرها» و «بهترین شرح‌ها» خوانده است.
- در منابع متقدم اسلامی تا سده هفتم مهشیدی، نام ابوالعباس آمده، امّا از آن زمان به بعد درباره او مطلبی نیامده است.
- تمامی محققان و پژوهشگران اسلامی و غربی، ابوالعباس را یکی از بزرگ‌ترین ریاضیدانان و منجمان دوره اسلامی دانسته‌اند. آلدومیه‌لی، او را «مفسّر بسیار مشهور آثار اقلیدس و بطلمیوس» خوانده است. شرح او را بر المجسطی معتبرترین شرح‌ها دانسته‌اند؛ تا آنجا که گاهی نیریزی را به‌طور مطلق «شارح مجسطی» خوانده‌اند و هرگاه بدون قید نام، «شارح مجسطی» گفته شود، منظور ابوالعباس نیریزی است.
- شرح ابوالعباس بر اصول اقلیدس از مهم‌ترین و مشهورترین شرح‌هاست.
- او را نخستین سازنده اسطرلاب در جمع مسلمانان خوانده و گفته‌اند که او ازجمله منجّمان زبردستی بوده که زیج‌هایی به روش سند و هند و زیج‌هایی به روش بطلمیوس و رصدهای جدید ترتیب داده بودند.
- شهرت ابوالعباس نیریزی جهانی است و همین امر سبب شده است که مدار ۱۹ جنوبی و نصف‌النهار ۳۵۲ کره ماه به اسم او ثبت شود.

منبع:

شمس نیریزی، محمد جواد (۱۳۷۹) تاریخ و فرهنگ نیریز، نیریز: مجتمع فرهنگ هنری کوثر نور نیریز، صص ۱۰۸ تا ۱۱۴

نی‌ریز در زمانه فضل بن حاتم(*)

دکتر عبدالرسول خیراندیش
تاریخ‌شناس و تاریخ‌نگار ایرانی
و استاد تمام دانشگاه شیراز



هر چند نی‌ریز تاریخی بسیار طولانی دارد و آثاری از دوره‌ی ماقبل تاریخ و دوره‌ی ایران باستان در آن کشف شده است، همچنین آثاری از کارگاه‌های ذوب فلز در آن ناحیه یافت شده و به استناد الواح خزانه تخت جمشید نام آن نریه ایتشیه قید شده است اما قدم گذاشتن در سرگذشت این دیار کهنسال، به عرصه‌ی روشن و بدون ابهام تاریخ مربوط به ایران بعد از اسلام است. زیرا به عکس دوران باستان که تاریخ این ناحیه مسکوت گذاشته شده است، در دوره‌ی اسلامی اخبار فراوانی درباره‌ی آن وجود دارد.

براساس اخبار فتوح اسلام که در منابعی چون فتوح‌البلدان بلاذری، فتوح اعثم کوفی، تاریخ طبری و دیگر منابع قرون نخستین اسلامی انعکاس یافته، سپاهیان مسلمان پس از فتح نواحی شاپور و استخر به سوی اردشیر خوره و دارابگرد سرازیر شدند. از جمله مسیرهای لشکرکشی آنان در این نواحی اصطهبان و نی‌ریز بوده است. در اینجا هربد داماد یزدگرد سوم ریاست داشت. پس از مدتی کشش و کوشش، چون هربد جنگ را به ضرر خود دید تسلیم شد و به مصالحه با مسلمانان روی آورد. به دنبال آن گسترش دین اسلام در نواحی استخر، اردشیرخوره و دارابگرد آغاز گردید.

اما چون هربد و جانشینانش با مسلمانان صلح کرده بودند، حکومت آنان ادامه یافت. هرچند منابع در این خصوص تا حدی به ابهام سخن گفته‌اند؛ اما براساس تحقیقات سکه‌شناسی، تا مدت‌ها پس از ورود اسلام به نواحی مختلف فارس که در حدود سال‌های ۲۰ مهشیدی صورت گرفته، در بعضی نواحی به خصوص اردشیر خوره نائب السلطنه‌های ساسانی با قبول صلح و اطاعت از مسلمانان، به حکومت خویش ادامه دادند. ضرب سکه از آنجا که نیازمند تشکیلات و قواعد خاصی بوده است، نشان می‌دهد که بسیاری از قواعد زندگی اجتماعی و اقتصادی فلات ایران در اینجا استمرار یافته است. اعراب مسلمان نیز که تا سال‌های پس از بیستم هجری به فتوحات در خراسان و سیستان سند و آذربایجان مشغول بودند، از شرایط صلح در ناحیه‌ی اردشیر خوره برای تمشیت امور اقتصادی فارس بهره بردند. این امر موجب شد در نواحی نی‌ریز، اصطهبان، لار، داراب، یزد، سیرجان تا کرمان جوامع زرتشتی تا مدت‌ها آزادانه به حیات خود ادامه دهند. چنانکه آتشکده‌ی کاریان به عنوان یکی از سه آتشکده‌ی مهم دوران ساسانی تا ده‌ها سال بعد در منطقه‌ی لار دایر بود. به تدریج که اسلام‌پذیری گسترش بیشتری می‌یافت، بخش عمده‌ای از دستاوردهای عملی و فنی ایرانیان و نیز زبان فارسی و تجارب اجتماعی و اقتصادی آنان در این ناحیه تداوم یافت و در خدمت جامعه‌ی ایران دوره‌ی اسلامی قرار گرفت. از جمله این علوم و فنون، دانش ریاضیات، علم نجوم، فنون و اصطلاحات نجومی و تقویمی ایرانیان رایج بوده است. این ناحیه که در مجاورت کویر مرکزی ایران قرار دارد از یک طرف فنونی چون حفر کاریز که یک

ابوریحان بیرونی منجم و ریاضیدان بزرگ ایرانی در کتاب آثارالباقیه عن القرون‌الخالیه می‌نویسد که عوامل دیوانی دولت عباسی در امر انطباق وصول خراج با ماه‌های سال دچار اشکال شدند؛ لذا چون از حل مشکل عاجز ماندند خلیفه موبد را فرا خواند و درباره‌ی تنظیم تقویم خراجی که نزد ایرانیان سابقه‌ای طولانی داشت از او نظر خواست و موبد با ارائه‌ی توضیحاتی مشکل را برطرف ساخت. با توجه به اینکه در بغداد، موبد و پیرو دین زرتشتی زندگی نمی‌کرده است و با توجه به اخبار فراوانی که درباره حل مشکلات نجومی در قرن سوم در بغداد به وسیله‌ی فضل‌بن‌حاتم گزارش شده است محتمل است که منظور از موبد، فضل‌بن‌حاتم باشد

فن اصیل ایرانی است و نیز روش‌های انتقال آب را که با ریاضیات و نجوم کاملاً بستگی دارد حفظ کرد که نمونه‌های بسیار روشنی از آنان را در نی‌ریز می‌توان دید و از طرف دیگر با مرکز بزرگ تمدن اسلامی- ایرانی در خراسان مرتبط بود.

در چنین زمینه‌ای بود که در قرن سوم هجری، فضل‌بن حاتم نی‌ریزی پا به عرصه‌ی علم و دانش نهاد. بدون شک در شرایطی که علوم نجوم و ریاضی در نی‌ریز رایج بوده و استفاده‌های علمی و عملی از آن‌ها مطرح بوده است، دانشمندان و صاحب‌نظران پدید آمده‌اند. فضل بن حاتم با در اختیار داشتن تجارب علمی و فنی ایرانیان، به بغداد مرکز خلافت عباسی رفت و آثار علمی خود را به ملل مسلمان عرضه کرد. داستان حل معضل رؤیت لکه‌های سیاه در قوس و قزح که موجب نگرانی خلیفه‌ی عباسی شده بود مشهور است. ابوریحان بیرونی منجم و ریاضیدان بزرگ ایرانی در کتاب آثارالباقیه عن القرون‌الخالیه می‌نویسد که عوامل دیوانی دولت عباسی در امر انطباق وصول خراج با ماه‌های سال دچار اشکال شدند؛ لذا چون از حل مشکل عاجز ماندند خلیفه موبد را فرا خواند و درباره‌ی تنظیم تقویم خراجی که نزد ایرانیان سابقه‌ای طولانی داشت از او نظر خواست و موبد با ارائه‌ی توضیحاتی مشکل را برطرف ساخت. با توجه به اینکه در بغداد، موبد و پیرو دین زرتشتی زندگی نمی‌کرده است و با توجه به اخبار فراوانی که درباره حل مشکلات نجومی در قرن سوم در بغداد به وسیله‌ی فضل‌بن‌حاتم گزارش شده است محتمل است که منظور از موبد، فضل‌بن‌حاتم باشد؛ زیرا تا مدت‌ها پس از فتوح اسلام در نواحی شرقی فارس، به هر عالم و دانشمندی موبد می‌گفتند و این لقب خاص زعمای دینی زرتشتی نبوده است.

پی‌نوشت:

*-عنوان اصلی این مقاله «یاد و نام نی ریز در تاریخ میانه ایران» است که در ویژه‌نامه کنگره بزرگداشت فضل بن حاتم نی‌ریزی به چاپ رسیده و ما بخش‌هایی از آن را با عنوان جدید آورده‌ایم. منابع نوشتار دکتر خیراندیش در آن ویژه‌نامه آمده است.



میدان فضل نی ریزی

جایگاه علمی فضل نی‌ریزی در تاریخ تحولات و پیوندهای علمی شرق و غرب

پروفسور فرهنگ ارشاد
نی‌تاک



فضل بن حاتم نی‌ریزی بیشتر عمر خود را در سدهٔ سوم مهشیدی گذرانده است. گرچه از فعالیت‌های علمی او اطلاعات نسبتاً قابل توجهی در دست است، ولی از شرح زندگی شخصی این دانشمند علم ریاضی و نجوم همین‌اندازه می‌دانیم که در نی‌ریز متولد شده و احتمالاً دوران کودکی و نوجوانی را در زادگاه خود گذرانده. ایام شکوفایی علمی و اشتهار او در بغداد سپری شده و حدود ۳۱۰ مهشیدی در آن شهر درگذشته است. در این مقاله نمی‌خواهیم زندگی شخصی و علمی فضل نی‌ریزی را به تفصیل بررسی کنیم. بحث کلی درباره آثار او را می‌توان در منابع موجود مطالعه کرد (برای نمونه، به مقاله آقای محمدعلی پیشاهنگ در فصلنامه فرهنگ فارسی و منابع آن مراجعه کنید). تجزیه و تحلیل آثار علمی او هم در قلمرو کار تخصصی علمای نجوم و ریاضی است. از این رو، محور اصلی بحث در مقالهٔ حاضر تأملی بر شرایط تاریخی- اجتماعی زمانهٔ فضل بن حاتم و تشخیص جایگاه علمی او در روند تحولات علمی در سطح داخلی و بین‌المللی است که آن را همراه با نگرشی تطبیقی بین روزگار او و دوران رنسانس اروپا و پیوندهای آنها با یکدیگر دنبال می‌کنیم.

فضل نی‌ریزی همزمان با محمد زکریای رازی و ابونصر محمد فارابی بوده و چون هر سه دانشمند در یک دورهٔ زمانی و در یک شهر (بغداد) می‌زیسته و شخصیت‌های برجسته و نامداری بوده‌اند، احتمال می‌رود که یکدیگر را ملاقات کرده باشند و یکی از دیگری تأثیر پذیرفته باشد. ذبیح‌اله صفا در معرفی ریاضیدانان معروف قدیمی ایرانی در دورهٔ اسلامی‌می‌نویسد: نخست احمد بن عبداله حاسب مروزی [حبش حاسب] (وفات ۲۲۰ یا ۲۵۰ مهشیدی) است، سپس نوبت به ابوعبدالله محمد بن موسی خوارزمی (وفات ۲۳۲ مهشیدی) می‌رسد که از بزرگترین علمای ریاضی دنیای قدیم است، و بعد از خوارزمی، از میان علمای بزرگ باید از ابوالعباس فضل بن حاتم نی‌ریزی (وفات حدود ۳۰۹ مهشیدی) یاد کرد که شرحی بر کتاب بطلمیوس نوشته است (صفا، ص ۶۸-۶۹).

دایره‌المعارف فارسی مصاحب نیز در میان معروف‌ترین محققین دوره اسلامی‌که درباره اسطرلاب کروی صاحب‌نام بوده‌اند، به ترتیبِ زمانِ زندگی، ابن لوقا، نی‌ریزی، و ابوریحان بیرونی را نام می‌برد (دایره‌المعارف فارسی مصاحب، ج ۱. ص ۱۳۶).

ابوریحان بیرونی برای محاسبه محیط کرهٔ زمین، روشی را ابداع کرده و از طریق رصدکردن خورشید بر قلهٔ کوهی مشرف بر دشتی هموار در کنار دریا، این محاسبه را انجام می‌دهد، ولی از آنجا که احتمالاً این روش بیش از این که تجربی باشد، به گفتهٔ خود او روشی ذهنی بود که باید با برهان صحت آن اثبات شود، در کار خود دچار تردید شده و می‌نویسد: «آنچه ما را در بیان این روش جرئت داد، گفتهٔ ابوالعباس نی‌ریزی به نقل از ارسطولس [ارسطوتلس = زبان یونانی] است... (نلّینو، ص ۳۶۲-۳۶۳، نقل قول مسقیم ازکتاب خطی اسطرلاب ابوریحان در کتابخانهٔ برلین).»

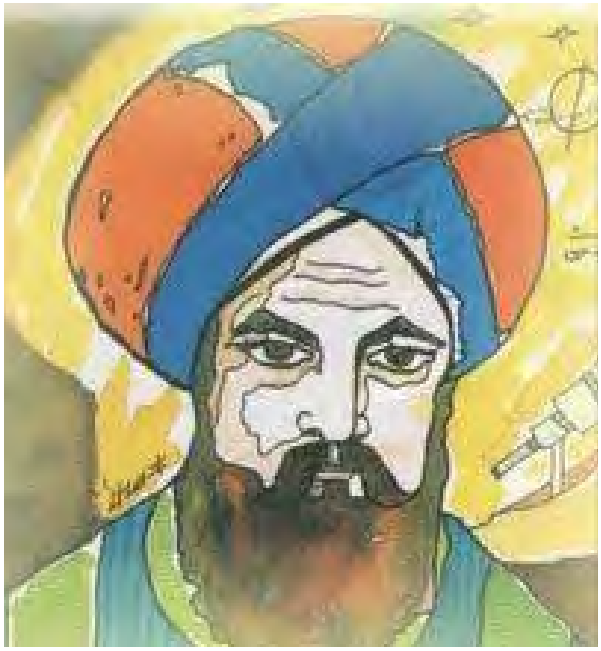
- همین‌اندازه می‌دانیم که در نی‌ریز متولد شده و احتمالاً دوران کودکی و نوجوانی را در زادگاه خود گذرانده. ایام شکوفایی علمی و اشتهار او در بغداد سپری شده و حدود ۳۱۰ مهشیدی در آن شهر درگذشته است.
- فضل نی‌ریزی همزمان با محمد زکریای رازی و ابونصر محمد فارابی بوده و چون هر سه دانشمند در یک دورهٔ زمانی و در یک شهر (بغداد) می‌زیسته و شخصیت‌های برجسته و نامداری بوده‌اند، احتمال می‌رود که یکدیگر را ملاقات کرده باشند.

ذبیح‌اله صفا در معرفی ریاضیدانان معروف قدیمی ایرانی در دورهٔ اسلامی می‌نویسد: نخست احمد بن عبداله حاسب مروزی [حبش حاسب] (وفات ۲۲۰ یا ۲۵۰ مهشیدی) است، سپس نوبت به ابوعبدالله محمد بن موسی خوارزمی (وفات ۲۳۲ مهشیدی) می‌رسد که از بزرگترین علمای ریاضی دنیای قدیم است، و بعد از خوارزمی، از میان علمای بزرگ باید از ابوالعباس فضل بن حاتم نی‌ریزی (وفات حدود ۳۰۹ مهشیدی) یاد کرد که شرحی بر کتاب بطلمیوس نوشته است.

همچنین مطالعات پژوهشگران نشان می‌دهد که ابوریحان در کتاب «قانون مسعودی»، خیام در رسالهٔ «مصادرات» و خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب «شکل القطاع» از نی‌ریزی نقل قول کرده‌اند (قربانی، ص. ۵۱۳). منظور از ذکر این نکات، شناخت دقیق‌تر جایگاه علمی فضل نی‌ریزی در دوران شکوفایی فرهنگ شرق اسلامی و تأکید بر میراث گرانبهایی است که امثال او از خود به یادگار گذاشته‌اند.

نی‌ریزی در زمانه‌ای زندگی می کند که در این سوی خاک و بویژه در بخارا، خراسان، ری، و بغداد نهضت خردگرایی و دانش پژوهی دوران درخشانی را می گذراند. این وضعیت فرهنگی و فکری سدهٔ سوم و چهارم مهشیدی از بعضی جنبه‌ها با دوران رنسانس اروپا که حدود ۵۰۰ سال بعد از آن و در قرن‌های ۱۶ و ۱۷ میلادی روی داد، قابل مقایسه است. ویل دورانت پس از بحث دربارهٔ نهضت ترجمه و جنبش علم‌گرایی در بغداد در سده‌های سوم و چهارم مهشیدی می‌نویسد :«نهضت علمی اسلام هم از لحاظ مقدمات - رواج تجارت و کشف گنجینه‌های یونان - و هم از لحاظ نتیجه - رونق علم و هنر - درست همانند رنسانس ایتالیا بود». (دورانت، ص ۳۰۸). یکی از عوامل مؤثر این رویداد، از هم پاشیدن خلافت خودکامه و فرسودهٔ بنی‌امیه در شام و انتقال حکومت به بنی‌عباس و بنا نهادن شهر بغداد و جابه‌جایی حکومت به این شهر بود. خلافت بنی عباس که به کمک ایرانیان بر سر کار آمد، ضعیف‌تر از آن بود که بتواند استبداد خشک بنی‌امیه را که متکی بر قوم‌گرایی افراطی بود ادامه دهد و ناگزیر بود در برابر ایرانیان و نیز پیروان ادیان مسیحی و یهودی، سیاست مدارا در پیش گیرد. در این شرایط، بغداد کانون برخورد فرهنگها و نظرگاه‌های مختلف و چارسوق بازرگانی شرق بود. در اینجا نه تنها متفکران مسلمان بلکه دانش‌پژوهان یهودی (مثل ابن لوقا) و مسیحی (مثل حنین بن اسحاق) دور هم گرد آمدند (لوکاس، ص ۳۵۶ - ۳۶۲). ترجمهٔ آثار علمی از زبان‌های سانسکریت، پهلوی، یونانی و سریانی به عربی محفل پر رونقی به وجود آورد که به آن نهضت ترجمه گفته‌اند، و فضل بن نی‌ریزی در چنین محفلی پرورش یافته و شخصیتی برجسته و نامی شده است.

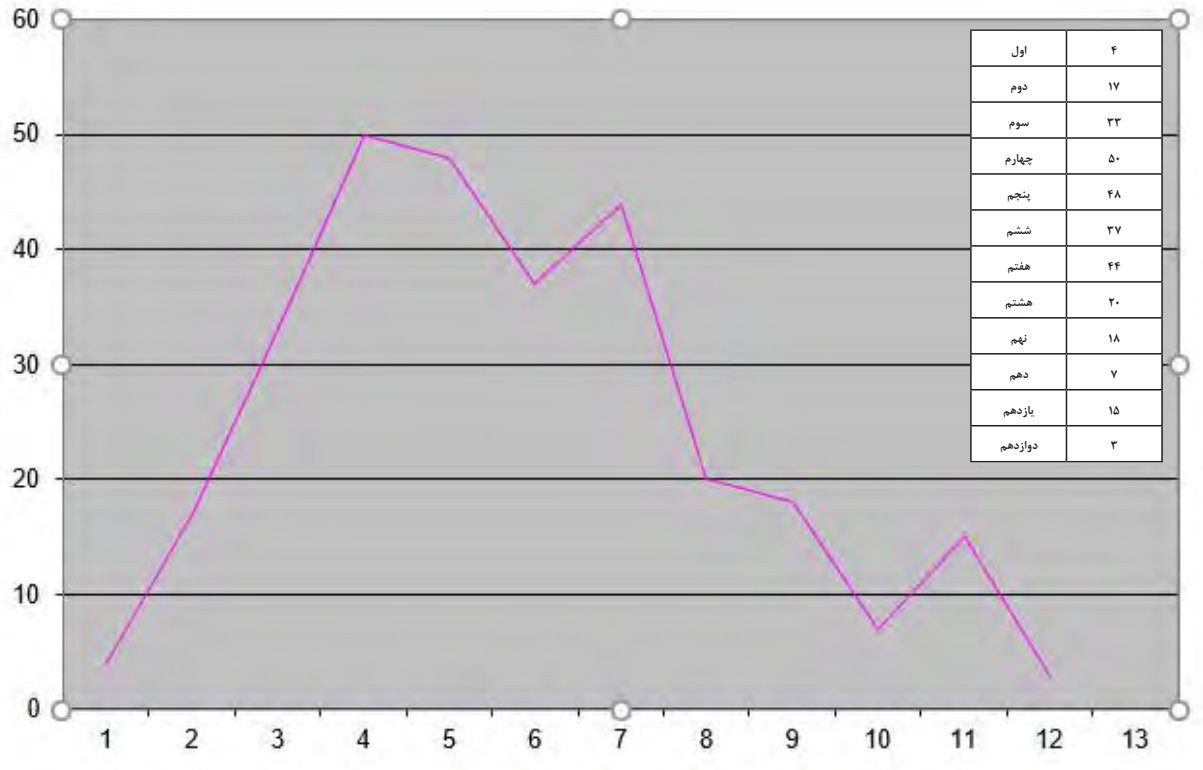
در قرن سوم مهشیدی، حنین بن اسحاق، طبیب نسطوری، ترجمه ده‌ها کتاب و رساله را از یونانی به سریانی و به عربی انجام داده است.



تصویر خیالی از فضل نیریزی

در سال ۲۱۵ مهشیدی به تقلید از کتابخانه‌های کهن اسکندریه، انجمن علمی‌به نام «بیت الحکمه» در بغداد تأسیس شد و مأمون با گشاده‌دستی از آن حمایت می کرد. حنین بن اسحاق برجسته‌ترین مترجم عضو این انجمن بود و گروهی از دانشمندان به صورت دستیار زیرنظر او به ترجمه و تحقیق مشغول بودند. گفته می‌شود پسر او اسحاق بن حنین، حجاج یوسف مطر و فضل بن حاتم [نی‌ریزی]به ترجمه کتاب المجسطی بطلمیوس و اصول اقلیدس همت گماشتند (ویل دورانت، ص ۳۰۸ و دایره المعارف فارسی مصاحب، ج ۲، ص ۲۶۵۹).

شاید هم هرکدام از اینها در زمانهای متفاوتی در این انجمن فعالیت می‌کرده‌اند. نکته مهم این که این فعالیتها نسخه‌برداری یا ترجمه محض نبوده بلکه عموماً با حاشیه‌نویسی، بسط و شرح مطالب اصلی همراه بود. چنانچه خوارزمی و فارابی نیز نوابغی از این زمره‌اند. شرحی که نی‌ریزی بر کتابهای اصول هندسه اقلیدس و هیئت بطلمیوس (مگاسونتاکسین ماتماتیکی - یعنی تألیف بزرگ تعلیمی ریاضی - به زبان عربی معروف به المجسطی) نوشت، باعث شد که نی‌ریزی را بطور کلی، «شارح المجسطی» بنامند. وی همچنین دو اثر معروف یعنی زیج کبیر (بر پایه روش نجومی هندیان) و زیج صغیر (بر اساس سنت هیئت یونانی) تدوین کرد، یعنی این که فضل پایگاه



علمی جهان شمولی داشت.

نهضت علمی روزگار نی‌ریزی در قرن چهارم مهشیدی همچنان ادامه یافت و نام‌آورانی همچون بیرونی و ابن‌سینا را پروراند که در اوج این جنبش فرهنگی قرار داشتند. پژوهشگران برای تشریح روند ترقی و تنزل علم در سیر تحولات فرهنگ اسلامی، فهرستی از مجموع کتابهای مهم و شناخته شده‌ای را تهیه کرده‌اند که از قرن اول تا دوازدهم مهشیدی (یعنی زمانی که این میراث علمی به غرب راه یافت) تدوین شده است. ما با استفاده از تعداد کتابهای تدوین شده در هر قرن روند ترقی و تنزل جنبش علمی را ترسیم نموده ایم.

مشاهده می‌کنیم که قرن چهارم اوج شکوفایی علمی و فرهنگی در شرق اسلامی است. در این قرن‌ها، نه تنها تعداد کتابهای تدوین شده متفاوت بوده، بلکه محتوا و رشته تخصصی آنها نیز تفاوت داشته است. چنانچه در قرن اول بیشتر کتابها لغوی و در زمینه شعر و خطابه بوده، در قرن سوم و چهارم بیشتر کتابها فلسفی، ریاضی و نجوم، جغرافی و علوم طبیعی بوده - گو این که شاهنامه فردوسی هم در همین مقطع به وجود آمده است - و از قرن ششم به بعد کتابهای نظری، عرفانی و ادبی تدوین شده است.

اما چنانکه می‌دانیم و نمودار فوق نشان می‌دهد، دوران شکوفایی علمی و فرهنگی شرق به دلایل مختلف دوام نیاورد و در کشاکش جریانهای علم‌ستیز تاریخی، امواج و انوار آن از اواخر قرن پنجم سیر افولی و نزولی پیمود و با حمله مغول در اوایل قرن هفتم آسیب کلی دید. با این وجود میراث علمی آن دوران که برآیندی از دستاوردهای علوم هندی، ایرانی، اسلامی-عربی و یونانی بود در گنجینهٔ تاریخ حفظ شد تا پس از جنگهای صلیبی و ضعف سلطهٔ حکومت کلیسایی (دوران انجماد فکری اسکرلاستیک) در قرن ۱۲ میلادی که نسیم آزاداندیشی وزیدن گرفت و کنجکاوان و دانش پژوهان اروپایی به آن میراث گرانبهای بشری دست یافتند.

محققان غربی اعتراف دارند که علم ریاضی از شرق به اروپا رفته است (آرنولد، ص:۲۵). برتراندراسل اظهار می‌دارد در سراسر قرون وسطی که اروپا در دوران انجماد فکری به سر می‌برد، عملاً مسلمانان بودند که سنت تمدن بشری را به پیش بردند و هر معرفت علمی را که صاحب نظرانی چون راجر بیکن (Roger Bacon، ۱۲۱۴ - ۱۲۹۴) کسب کردند از مسلمانان اقتباس شده بود (راسل، ص ۷). به گفته هنری لوکاس در اروپای قرون وسطی، علم پژوهی به انحطاط گرایید و اروپاییان از میراث علمی استادان باستان خودآگاهی‌اندک و ناقصی داشتند. اما در این دوران تاریک تاریخ اروپا، دانشمندان مسلمان (و گاهی هم مسیحیان و یهودیان) دانش یونانی را به زبان عربی برگرداندند و شرح و تفسیرهایی بر آنها افزودند و به حفظ آن همت گماشتند تا اروپاییان پس از بیداری از یک خواب هزار ساله آمادگی استفاده از دستاوردهای علمی را پیدا کردند (لوکاس، ج ۱، ص ۳۶۱).

و این کار از طریق ترجمه مجدد آثار عربی به زبان لاتینی و دیگر زبانهای اروپایی میسر شد و بسیاری از آثار علمی گذشته از نو در اختیار آنها قرار گرفت. برای نمونه، شرح مجسطی و شرح اصول اقلیدس و رساله سمت‌القبله و احتمالاً بعضی دیگر از آثار نی‌ریزی به زبانهای اروپایی ترجمه شد.

یکی از پرکارترین مترجمان گرارد کرمونایی

(۱۱۱۴- ۱۱۸۷ م) بود که بیش از ۷۰ اثر را از زبان عربی به لاتین ترجمه کرد. به استناد گفته جرج سارتون، شرح اصول اقلیدس نی‌ریزی یکی از آثاری است که گرارد به لاتین ترجمه کرد و سپس قرن‌ها پس از مرگ او در سال ۱۸۹۹ در لایزپگ در ۴۲۰ صفحه چاپ و منتشر شد (سارتون ، ج ۲، ص ۱۴۶۱). اشاره می‌کنیم که گرارد کریمونایی فقط مترجم از زبان عربی به لاتینی بود و خلاقیتی علمی از خود نداشت. اما آدمی سخت‌کوش بود و او را مترجم اعصار نامیدند. رستاخیز ترجمهٔ لاتین که گرارد مظهر آن بود ، بطور کلی رستاخیزی علمی به شمار می‌آمد (همان مأخذ، ص ۱۳۶۵ - ۶۶). سارتون می‌نویسد: بزرگترین حادثه نجومی در قلمرو مسیحیت لاتینی، ترجمه مجسطی بطلمیوس بود... و تا مدتها در مغرب زمین مجسطی را بیشتر از راه ترجمه گرارد می شناختند که در سال ۱۱۷۵ میلادی انجام شد (همان مأخذ، ص ۱۵۲۵). این کتاب تا سال ۱۵۴۳ که سال انتشار گردش افلاک آسمانی کپرنیک است، در نجوم و هیئت معتبر شناخته می‌شد (مصاحب، ج ۲، بخش ۲، ص ۲۶۵۹). به عقیدهٔ مهدی فرشاد، تحول علمی در اروپا از هیأت بطلمیوسی به منظومهٔ کپرنیکی و کپلری، بی‌واسطه و جهشی صورت نپذیرفت، بطوری که سهم دانشمندان اسلامی بویژه ابوریحان بیرونی و خواجه نصیرالدین طوسی را نمی‌توان نادیده گرفت (فرشاد، ج ۱، ص ۲۰۳ - ۲۰۸).

البته این ساده‌اندیشی است که دچار هیجان غیرعلمی شده و مثلاً ادعا کنیم اگر آثار نی‌ریزی نبود، کپلر و کپرنیک و گالیله هم پرورده نمی‌شدند. از سوی دیگر این نیز غیر منطقی و غیر علمی است که تصورشود میراث علمی گذشتگان فاقد ارزش علمی بوده و گالیله و کپرنیک و کپلر فقط به اتکاء استعداد شخصی و خلاقیت‌های خودشان جهان را تکان دادند. همان طور که نی‌ریزی‌ها از میراث علمی هند و ایران و یونان و از آثار بطلمیوسها و خوارزمی‌ها برخوردار شدند ، و میراث گذشتگان را غنی‌تر کرده و به بیرونی‌ها و خواجه نصیرها تحویل دادند، گالیله ها نیز از میراث گذشتگان شرق و غرب بهره گرفتند. نبوغ همه آنها درکوشش و پشتکار سنجیده و بهره‌گیری و درک


رسالة فی احداث الجو
از ابوالعباس فضل بن حاتم نیریزی

رساله فی احداث الجوّ

(اثر ابوالعباس نیریزی)

ابن ندیم این اثر را نام برده و گفته است: «الّفه للمعتضد ». قفطی نیز در تاریخ الحکماء همان مطلب ابن ندیم را تکرار کرده است . به تبع ابن ندیم دیگران نیز گفته اند که ابوالعباس نیریزی این اثر را برای معتضد نگاشت.

شرحی که نی‌ریزی برکتابهای اصول هندسه اقلیدس و هیئت بطلمیوس (مگا سونتاکسین ماتماتیکی - یعنی تألیف بزرگ تعلیمی ریاضی - به زبان عربی معروف به المجسطی) نوشت، باعث شد که نی‌ریزی را بطورکلی، «شارح المجسطی» بنامند. وی همچنین دو اثر معروف یعنی زیج کبیر (بر پایه روش نجومی‌هندیان) و زیج صغیر (بر اساس سنت هیئت یونانی) تدوین کرد، یعنی این که فضل پایگاه علمی جهان شمولی داشت.

دوران شکوفایی علمی و فرهنگی شرق به دلایل مختلف دوام نیاورد و درکشاکش جریانهای علم‌ستیز تاریخی، امواج و انوار آن از اواخر قرن پنجم سیر افولی و نزولی پیمود و با حمله مغول در اوایل قرن هفتم آسیب کلی دید.

میراث گذشتگان و بسط و گسترش آنها نهفته است. علم ذاتاً پدیده‌ای پویاست و آنها که درک و اندیشه پویایی دارند می‌توانند با خلاقیت و نوآوریهای خود در پویایی علم و پربارترکردن دستاوردهای علمی اثرگذار باشند. بدیهی است هر نسل از نوابغ جهان در برش تاریخی ویژه‌ای می زیسته و از میراث علمی متفاوتی از لحاظ کمی و کیفی برخوردار بوده‌است.

نکتهٔ پایانی این که گرایش و افتخار تعصب‌آمیز نسبت به نی‌ریزی داشتن و همواره دیروزیها را تجلیل و تکریم کردن، ممکن است نه تنها سودی نداشته باشد بلکه از نی‌ریزی‌ها اسطوره‌ای ایستا می‌سازیم که به قول بزرگان «نقض غرض» است. شایسته‌تر و منطقی‌تر آن است که از روش و عملکرد آنها الگو بگیریم و راه را بر پویایی اندیشهٔ نی‌ریزی، که همواره می خواهد دریچه‌ای به فردا باز کند، نبندیم.

زمانه از رخ فردا کشید بند نقاب
معاشران همه سرگرم باده‌ی دوشند

فضل نی‌ریزی شخصیتی برجسته و قابل احترام است. ولی مهمتر از او عملکرد و روش اوست. مبادا تجلیل از بزرگان علم و ادب و هنر به ایستایی اندیشه بیانجامد. ما هنوز در ترجمه‌هایی که می کنیم راه و رسم نی‌ریزی را دنبال نمی کنیم. او از علم خوارزمی فقط نسخه‌برداری نمی‌نمود و اصول هندسه اقلیدسی و هیئت بطلمیوسی را فقط ترجمه نمی‌کرد. بلکه همواره می‌کوشید در حاشیه یا تشریح گامی از آنها فراتر رود. معیار و ترازوی او هم برای ترجمه، تنها اجرای یک توصیه صوری نبود که امروز به آن پای بندیم. و هنوز هم هر علمی را که از غرب گرفته‌ایم ترجمه‌ای و عاریتی است و تا بومی شدن آن فاصله داریم. بنابراین، هنوز نمی‌توانیم ادعا کنیم که پیرو سنت علمی نی‌ریزی و گالیله هستیم.اگر خیلی کوشش کنیم و پرکار باشیم راه گرارد ایتالیایی را می‌پیماییم.

پی‌نوشت:

* ایشان از همشهریان نی‌ریزی، عضو بازنشسته هیأت علمی دانشگاه اهواز (استاد تمام)، رئیس پیشین هیئت مدیره انجمن جامعه‌شناسی ایران، و سردبیر پیشین مجله انجمن می‌باشند.

فهرست منابعی که از آنها استفاده شده

۱- آرنولد ، ت. و گیوم ، آ. (بی‌تا) میراث اسلام یا آنچه مغرب زمین به ملل اسلامی مدیون است، ترجمه: مصطفی علم، بی‌نا.

۲- بیرشک، احمد (۱۳۷۴) خلاصه زندگینامه علمی دانشمندان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۳ - پیشاهنگ، محمد علی (پاییز و زمستان ۷۴) ابوالعباس فضل بن حاتم نی‌ریزی، مجله فرهنگ فارس، سال دوم، شماره ۷ و ۸ ،صص ۱۸۵-۱۹۶.

۴ - دورانت، ویل (۱۳۷۱) تاریخ تمدن، جلد چهارم، عصر ایمان، ترجمه: ابوطالب صارمی، ابوالقاسم پاینده، ابوالقاسم طاهری، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

۵ - راسل، برتراند (۱۳۵۱) جهان بینی علمی، ترجمه: حسن منصور، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۶ - سارتون، جرج (۱۳۵۵) مقدمه بر تاریخ علم، ترجمه: غلامحسین صدری افشار، جلد دوم، بخش اول، تهران: انتشارات وزارت علوم و آموزش عالی.

۷ - صفا، ذبیح اله (۱۳۴۷) تاریخ علوم و ادبیات ایرانی، تهران: انتشارات ابن سینا.

۸ - غزنی، سرافراز (۱۳۵۶) اسطرلاب یا شمارشگر نجومی، تهران: وزارت علوم و آموزش عالی.

۹ - فرشاد، مهدی (۱۳۶۵) تاریخ علم در ایران، جلد اول و دوم، انتشارات امیرکبیر.

۱۰ - قربانی، ابوالقاسم (۱۳۶۵) زندگینامه ریاضیدانان دورهٔ اسلامی از سدهٔ یازدهم هجری، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

۱۱ - لوکاس، هنری (۱۳۶۹) تاریخ تمدن: از کهن‌ترین روزگار تا سدهٔ ما، جلد اول و دوم، ترجمه: عبدالحسین آذرنگ، تهران: انتشارات کیهان.

۱۲ - میر، محمدتقی (۱۳۶۸) بزرگان نامی پارس، جلد اول و دوم، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.

۱۳ - نلّینو، کرلوا اَلفونسو (۱۳۴۹) تاریخ نجوم اسلامی، ترجمه: احمد آرام، تهران: کانون نشر پژوهشهای اسلامی.

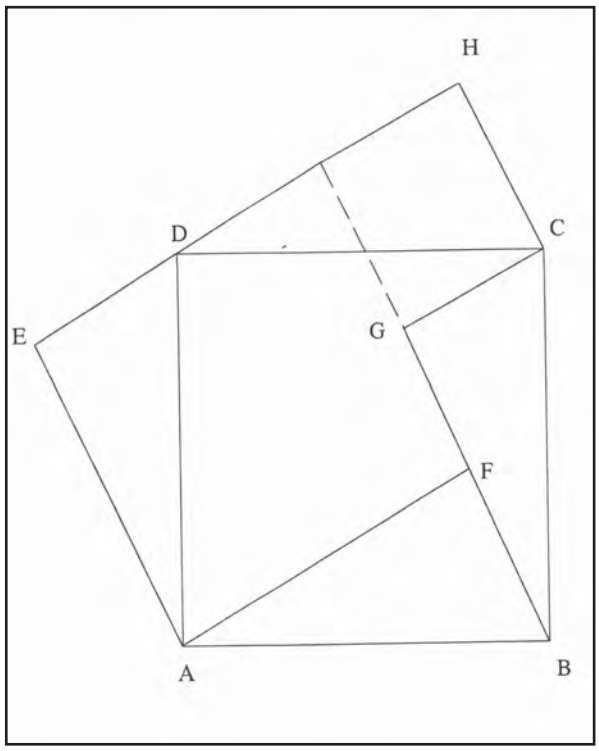
خلافت بنی عباس که به کمک ایرانیان بر سر کار آمد، ضعیف‌تر از آن بود که بتواند استبداد خشک بنی‌امیه را که متکی بر قوم‌گرایی افراطی بود ادامه دهد و ناگزیر بود در برابر ایرانیان و نیز پیروان ادیان مسیحی و یهودی، سیاست مدارا در پیش گیرد. در این شرایط، بغداد کانون برخورد فرهنگها و نظرگاه‌های مختلف و چارسوق بازرگانی شرق بود.

در سال ۲۱۵ مهشیدی به تقلید از کتابخانه‌های کهن اسکندریه، انجمن علمی به نام «بیت الحکمه» در بغداد تأسیس شد و مأمون با گشاده‌دستی از آن حمایت می‌کرد. حنین بن اسحاق برجسته‌ترین مترجم عضو این انجمن بود و گروهی از دانشمندان به صورت دستیار زیر نظر او به ترجمه و تحقیق مشغول بودند. گفته می‌شود پسر او اسحاق بن حنین، حجاج یوسف مطر و فضل بن حاتم [نی‌ریزی] به ترجمه کتاب المجسطی بطلمیوس و اصول اقلیدس همت گماشتند.

اثبات قضیه فیثاغورث توسط فضل نی‌ریزی

آقای پرویز شهریاری در مقاله «ریاضیات شرق میانه و نزدیک در قرون‌وسطی» در مجله سخن علمی، نشریه علمی و فنی و در مقاله «نقش دانشمندان ایرانی در پیشرفت ریاضی» در گوشه‌ای از سیمای تاریخ تحول علوم در ایران، به اثبات معمولی قضیه فیثاغورث توسط ابوالعباس اشاره‌کرده که در اینجا عیناً نقل می‌کنیم: «در قضیه فیثاغورث باید ثابت کرد مربعی که روی وتر مثلث قائم‌الزاویه ساخته می‌شود برابر است با مجموع مربعاتی که روی اضلاع مجاور به زاویه قائمه ساخته می‌شود، نی‌ریزی مربع ABCD را روی وتر رسم کرد و روی هر یک از اضلاع این مربع، مثلث مفروض را فرض کرد به‌طوری‌که دوتای آن‌ها در خارج و دوتای دیگر در داخل مربع قرار گیرند. دو مثلثی را که در داخل مربع ساخته‌ایم از آن حذف می‌کنیم و در عوض دو مثلثی را که در بیرون مربع ساخته‌شده به آن اضافه می‌کنیم؛ شش‌ضلعی AFGCHE به دست می‌آید که با مربع ما معادل است. در شش‌ضلعی به‌دست‌آمده، دو مربع تشکیل‌شده که برابر با مربع‌هایی‌اند که روی اضلاع مجاور به زاویه قائمه ساخته می‌شوند. علاوه بر آن، در شرح اصول اقلیدس، به اثبات اصل زیر پرداخته است:

«مکان هندسی نقاطی از صفحه که از یک خط مستقیم به یک‌فاصله بوده و در یک‌طرف آن واقع باشند، یک خط مستقیم است». به گفته آقای شهریاری، «این فرض در حقیقت معادل با فرض پوستولات پنجم اقلیدس است. در هندسه لباچوسکی، مکان

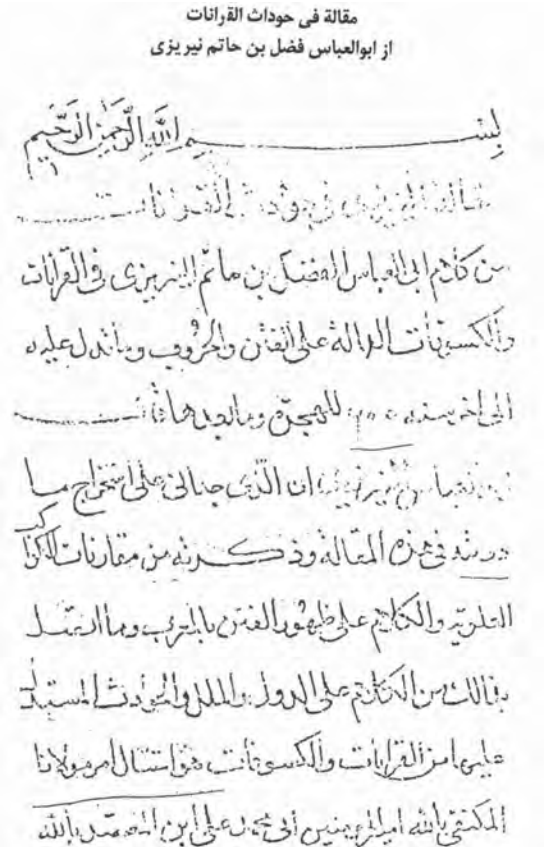


چنین نقاطی خط مستقیم نیست، بلکه یک خط منحنی است، نی‌ریزی در بحث خود نظریه نسبت‌ها را هم موردتوجه قرار داده است».

سارتن در مقدمه بر تاریخ علم گفته است: نی‌ریزی اصطلاح ظل معکوس را که معادل تانژانت است به‌عنوان یک خط مثلثاتی مستقل به‌کاربرده است (امّا قبل از وی حبش حاسب نیز این اصطلاح را به‌کاربرده بود).

نام این اثر در هیچ یک از منابع متقدم و متأخر نیامده، امّا نسخه‌ای از آن به شماره ۲۰۳۱ / ۱۵ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.

چنانکه ابوالعباس خود در آغاز این کتاب گفته، این اثر را به فرمان المکتفی باللّه خلیفه عباسی نوشته است. این اثر به همان شیوه قدیم به صورت: «من کلام ابی العباس الفضل بن حاتم» و «قال الفضل بن حاتم» نگاشته شده است. این نسخه در ۱۶ ربیع الاوّل سال ۵۱۰۳۱ ق. توسط اسفندیار مازندرانی کتابت شده است.


مقالة فی حوداث القرانات
از ابوالعباس فضل بن حاتم نیریزی

از فضل بن حاتم نی‌ریزی تا رصدخانه مراغه(*)

دکتر پرویز ورجاوند ناصری
استاد دانشگاه تهران، باستان‌شناس و وزیر فرهنگ و هنر در دوران نخست‌وزیری بازرگان(۴)



در دوران بعد از اسلام دانش ستاره‌شناسی در ایران با بهره داشتن از پژوهش‌های گسترده دوران پیش از اسلام و به‌ویژه عهد ساسانیان از اعتبار و موقعیتی چشمگیر برخوردار بوده و دانشمندان بزرگی در پهنه گسترده ایران بزرگ به کار پژوهش و رصد کردن و تنظیم جدول‌های مختلف اشتغال داشته و بر توان این دانش گسترده که با دانش‌های مختلف رشته ریاضی و فیزیک پیوندی ناگسستنی داشته می‌افزوده‌اند.

چنانکه به اعتباری موفقیت‌های چشمگیر و ارزشمند ستاره‌شناسان رصدخانه مراغه در بنای واحدهای مختلف آن مجموعه، ساختن ابزارهای گوناگون و دستیابی به محاسبات بسیار دقیق را باید حاصل تلاش‌های مستمر پیشینیان آنها دانست که هریک به سهم خویش نقشی مؤثر و مهم در گشودن افق‌های جدید در این رشته معتبر داشته‌اند.

این دانشمندان بزرگ فرزندان بخش‌های مختلفی از ایران بزرگ به‌شمار می‌رفتند که در جای جای این سرزمین کهنسال و فرهنگ‌پرور به کار پژوهش و آفرینش مشغول بودند و از یافته‌های یکدیگر بهره‌مند می‌شدند.

از میان آن جمع پرشمار چهره‌هایی چون محمد بن جابرخافی، خالد مروزی (امروزی)، خوارزمی، احمدبن محمد راوَندی، ابومشعر بلخی، فرغانی، نی‌ریزی، عبدالرحمان صوفی رازی، خجندی، کوشیار گیلانی، ابوریحان بیرونی، ابن سینا و خیام از عظمت و اعتبار بسیار والایی برخوردارند و یافته‌های پرارزش آنها در دانش ستاره‌شناسی جایگاهی بلند در مجموعه دانش بشری به شمار می‌رود.

چهره پرآوازه‌ای چون نی‌ریزی از اعتبار چشمگیر برخوردار بود. ابن ندیم درباره دانش او چنین می‌نویسد که «نی‌ریزی در علم نجوم و به ویژه در علم هیئت انگشت‌نما بود». سارتن نویسنده بزرگ تاریخ علوم، رساله «اسطرلاب کروی» نی‌ریزی را اثری استادانه یاد می‌کند و آن را بهترین کتابی معرفی می‌کند که مسلمانان درباره اسطرلاب نوشته‌اند.

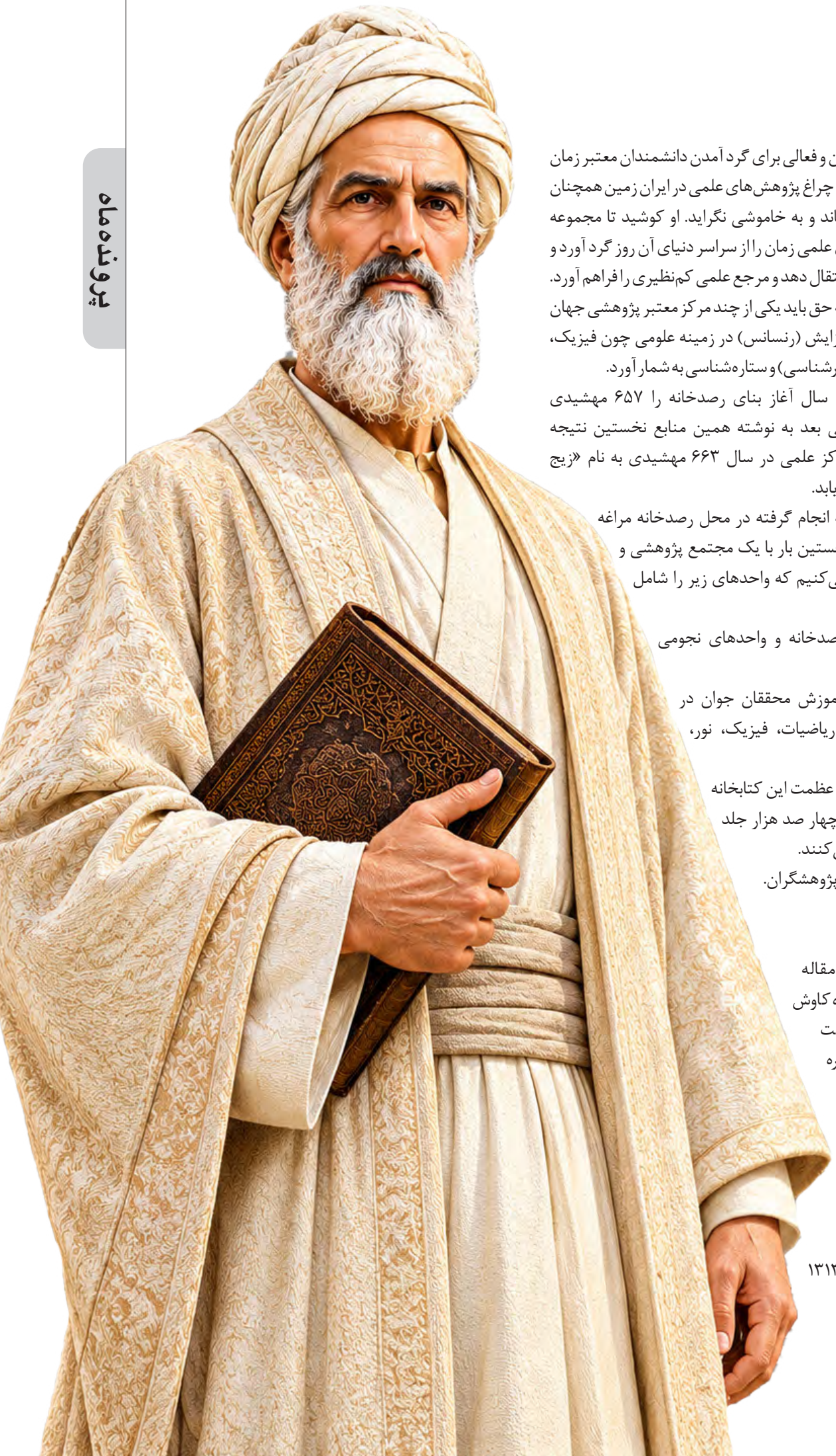
دو زیج معروف «زیج کبیر» و «زیج صغیر»، را ابن ندیم و قفطی به او نسبت داده‌اند. بنابراین می‌توان گفت نی‌ریزی که در قرن سوم تا دهه اول قرن چهارم می‌زیست، یکی از درخشان‌ترین چهره‌های دانش ستاره‌شناسی ایران به شمار می‌رفت و پژوهش‌ها و رصدها و زیج‌های تنظیمی او نقشی مؤثر در پیشرفت این دانش و توفیق دانشمندان رصدخانه مراغه در پیشبرد هرچه وسیع‌تر دانش ستاره‌شناسی جهان امروز برعهده داشته است.

در نوشته‌ها و متون تاریخی چنین آمده که پس از انتخاب مراغه به‌عنوان پایتخت توسط هلاکو، پس از فتح بغداد، بر اثر تقاضا و یا به تشویق حکیم دانشمند بزرگ ایرانی «خواجه نصیرالدین طوسی»، موجبات ایجاد یکی از معتبرترین مراکز علمی جهان یعنی رصدخانه مراغه به دستور هلاکو فراهم می‌آید.

خواجه نصیر طوسی بنیان‌گذار رصدخانه مراغه بر آن بود تا با برپایی این مرکز، ترتیبی دهد تا پس از حمله ویرانگر مغول و آشفتگی‌های مربوط به آن رویداد

ابن ندیم درباره دانش او چنین می‌نویسد که «نی‌ریزی در علم نجوم و به ویژه در علم هیئت انگشت‌نما بود». سارتن نویسنده بزرگ تاریخ علوم، رساله «اسطرلاب کروی» نی‌ریزی را اثری استادانه یاد می‌کند و آن را بهترین کتابی معرفی می‌کند که مسلمانان درباره اسطرلاب نوشته‌اند.

نی‌ریزی که در قرن سوم تا دهه اول قرن چهارم می‌زیست، یکی از درخشان‌ترین چهره‌های دانش ستاره‌شناسی ایران به شمار می‌رفت و پژوهش‌ها و رصدها و زیج‌های تنظیمی او نقشی مؤثر در پیشرفت این دانش و توفیق دانشمندان رصدخانه مراغه در پیشبرد هرچه وسیع‌تر دانش ستاره‌شناسی جهان امروز برعهده داشته است.



سهمگین، کانون امن و فعالی برای گرد آمدن دانشمندان معتبر زمان فراهم آورد. باشد که چراغ پژوهش‌های علمی در ایران زمین همچنان روشن و پرفروغ بماند و به خاموشی نگراید. او کوشید تا مجموعه فراوانی از کتاب‌های علمی زمان را از سراسر دنیای آن روز گرد آورد و به این مرکز علمی انتقال دهد و مرجع علمی کم‌نظیری را فراهم آورد. رصدخانه مراغه را به حق باید یکی از چند مرکز معتبر پژوهشی جهان تا پیش از دوران نوزایش (رنسانس) در زمینه علومی چون فیزیک، ریاضیات، اپتیک(نورشناسی) و ستاره‌شناسی به شمار آورد.

نوشته‌های تاریخی سال آغاز بنای رصدخانه را ۶۵۷ مهشیدی ذکر کرده‌اند. اندکی بعد به نوشته همین منابع نخستین نتیجه بررسی‌های این مرکز علمی در سال ۶۶۳ مهشیدی به نام «زیج ایلخانی» انتشار می‌یابد.

بنا بر تحقیقاتی که انجام گرفته در محل رصدخانه مراغه به اعتباری برای نخستین بار با یک مجتمع پژوهشی و آموزشی برخورد می‌کنیم که واحدهای زیر را شامل بوده است:

۱- برج مرکزی رصدخانه و واحدهای نجومی وابسته به آن.

۲- مدرسه برای آموزش محققان جوان در زمینه‌هایی چون: ریاضیات، فیزیک، نور، نجوم و غیره.

۳- کتابخانه. درباره عظمت این کتابخانه منابع مختلف رقم چهار صد هزار جلد کتاب را در آن یاد می‌کنند.

۴- سرای استادان و پژوهشگران.

پی‌نوشت:

*-عنوان اصلی این مقاله «سخنی چند درباره کاوش رصدخانه مراغه» است که در ویژه‌نامه کنگره بزرگداشت فضل بن حاتم نی‌ریزی به چاپ رسیده و ما بخش‌هایی از آن را با عنوان جدید آورده‌ایم.

۲-(۱۱ اردیبهشت ۱۳۱۳ - ۱۹ خرداد ۱۳۸۶)



وارن بافِت؛ سه عادت روزانه که رؤیاپردازان را از عمل گرایان جدا می کند

یورونیوز فارسی

«ممکن است کلّ قدرت ذهنی دنیا را هم داشته باشید، اما باید بتوانید منتقلش کنید. و این انتقال همان ارتباط است.»

وارن بافِت، اقتصاددان و سرمایه‌گذار و نیکوکار مشهور آمریکایی که نامش سال‌ها در بالای فهرست ثروتمندترین افراد جهان جای داشته، در کنار استادی در زمینه سرمایه‌گذاری در بورس، فلسفه زندگی ساده و سرراستی دارد.

جملات ساده و پرمغز وارن بافِت برای بسیاری راهنمای رشد و پیشرفت بوده‌اند. یکی از آن جمله‌ها این است: «در زندگی فقط باید کارهای بسیار کمی را به‌درستی انجام دهید، البته مادامی که کارهای اشتباه زیادی نکنید.»

پس اگر بتوانید شکست‌های خود را در کمترین حد نگه دارید، تنها با انجام چند کار درست می‌توانید به سطحی از موفقیت برسید که تصورش را هم نمی‌کرده‌اید.

سه عادت معروف بافِت

شاید فکر کنیم باید نقشه‌های پیچیده‌ای داشته باشیم تا موفقیت کسب کنیم اما خود بافِت می‌گوید: «برای آن که نتایج خارق‌العاده بگیریم، لازم نیست حتماً کارهای خارق‌العاده بکنیم.»

برخی از بزرگترین نتایج زندگی حاصل عادات روزانه هستند. یکی از موانع مسیر موفقیت، تمرکز بر حاصل کار است به‌جای تمرکز بر عاداتی که شما را به آن نتیجه می‌رساند. اما سه عادتی که وارن بافِت می‌گوید سبب موفقیت او بوده‌اند به شکل توصیه در زیر آمده‌اند، شاید این‌ها برای شما هم مفید باشد.

۱. با آدم‌های درست معاشرت کن

خود بافِت چند سال پیش در سخنرانی میان دانشجویان گفت: «شما به همان جهتی خواهید رفت که افراد دوروبرتان



به‌سویش می‌روند. پس مهم است که با آدم‌هایی بهتر از خودتان معاشرت کنید.»

جمله مشهور او این است: «ما میانگین آن پنج فردی هستیم که بیشترین وقت‌مان را با آنها می‌گذرانیم.»

۲. وقتی تصمیمی گرفتی زود عملی‌اش کن

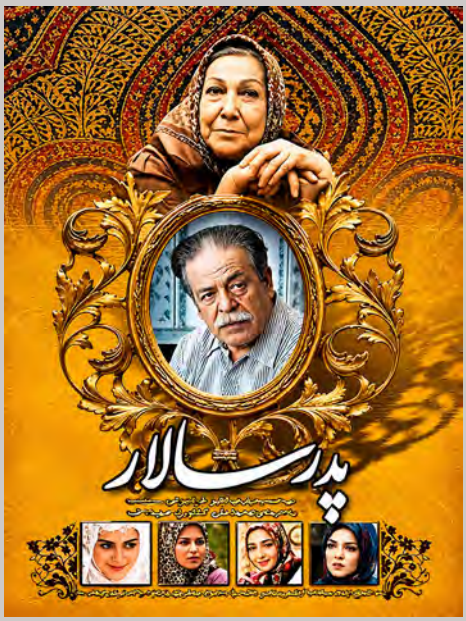
آیا تا حالا برای شما پیش آمده که تصمیمی بگیرید ولی برای عملی کردنش خیلی معطّل کنید؟ بافِت به این کار می‌گوید: «مکیدن شصت». این کار اتلاف وقت، و پرهیز از انجام دادن کاری است که می‌تواند بهترین بخت کامیابی شما باشد.

پس برای تصمیم‌گیری‌های مهم‌تان وقت کافی بگذارید و بررسی همه‌جانبه‌ای انجام بدهید و بعد از تصمیم‌گیری سریعاً دست به کار شوید.

۳. روی خودت سرمایه‌گذاری کن

طبق نظر بافِت یکی از کلیدهای موفقیت این است که هر شب کمی داناتر از قبل به رختخواب بروید. او می‌گوید که شما با سرمایه‌گذاری روی خود و به‌ویژه تقویت مهارت‌های ارتباطی، ارزش حرفه‌ای خودتان را تا ۵۰ درصد بیشتر می‌کنید.

او معتقد است در کار سرمایه‌گذاری و تجارت اگر نتوانید خوب ارتباط برقرار کنید کلاهتان پس معرکه است چون: «ممکن است کلّ قدرت ذهنی دنیا را هم داشته باشید، اما باید بتوانید منتقلش کنید و این انتقال همان ارتباط است.»



پدرسالار

قصه‌ای که از قاب تلویزیون به خانه‌های مردم راه یافت



عکس کمتر دیده شده از پشت صحنه سریال پدرسالار

محمد جلالی
نی‌تاک

هنوز هم کافی است نام «اسدالله‌خان» به میان بیاید تا بسیاری از مخاطبان تلویزیون، ناخودآگاه به یاد خانه‌ای بزرگ با حیاطی قدیمی، حوضی در میان آن و پدری مقتدر بیفتند که حرف آخر را در خانواده می‌زد. «پدرسالار» از آن مجموعه‌هایی است که با گذشت بیش از سه دهه، نه‌تنها از خاطر مخاطبان قدیمی پاک نشده، بلکه نسل‌های تازه نیز با بازپخش آن با شخصیت‌ها و داستانش آشنا شده‌اند.

این مجموعه تلویزیونی به تهیه‌کنندگی و کارگردانی اکبر خواجویی و نویسندگی علی‌اکبر محلوجیان، طی سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۴ تولید شد و از شبکه دوم سیما روی آنتن رفت. «پدرسالار» در روزگاری ساخته شد که تلویزیون یکی از مهم‌ترین سرگرمی‌های خانوادگی به شمار می‌رفت و یک مجموعه پرمخاطب می‌توانست به موضوع گفت‌وگو در خانه‌ها، محل کار و جمع‌های دوستانه تبدیل شود.

خانه‌ای که همه‌چیز از آن آغاز شد

داستان درباره اسدالله‌خان واعظیان، پدری خانواده‌دوست، مقتدر، سخت‌گیر و البته مهربان است که باور دارد فرزندانش پس از ازدواج نیز باید در خانه پدری و زیر نظر او زندگی کنند. از نگاه او، کنار هم بودن اعضای خانواده نشانه انسجام و حفظ حرمت‌هاست. اما این باور زمانی به چالش کشیده می‌شود که ناصر، کوچک‌ترین پسر خانواده، با آذر ازدواج می‌کند. آذر، زنی جوان، شاغل و خواهان استقلال است و زندگی در خانه‌ای مشترک با خانواده همسر را نمی‌پذیرد.

همین اختلاف ساده، به محور اصلی داستان تبدیل می‌شود و به‌تدریج اختلاف دیدگاه دو نسل را آشکار می‌کند.

اسدالله‌خان؛ شخصیتی میان اقتدار و محبت

نقش‌آفرینی محمدعلی کشاورز در جایگاه اسدالله‌خان، از مهم‌ترین عوامل ماندگاری این مجموعه بود. کشاورز شخصیتی را به نمایش گذاشت که نمی‌شد او را صرفاً پدری خشن یا فردی خودخواه دانست. اسدالله‌خان به خانواده‌اش علاقه دارد، برای فرزندانش زحمت کشیده و تصور می‌کند آنچه از آن‌ها می‌خواهد، به صلاح خودشان است. در عین حال، به‌سختی می‌تواند بپذیرد که فرزندانش حق دارند راه متفاوتی برای زندگی انتخاب کنند.

همین دوگانگی، شخصیت او را باورپذیر می‌کرد.

در کنار او، حمیده خیرآبادی در نقش ملوک، همسر اسدالله‌خان، حضوری تأثیرگذار داشت. ملوک شخصیتی آرام، مهربان و خانواده‌دوست بود که تلاش می‌کرد میان اعضای خانواده صلح و آشتی برقرار کند. او در بسیاری از موقعیت‌ها نقش واسطه را بر عهده داشت و با رفتار مادرانه‌اش، وجه دیگری از زندگی خانوادگی را به نمایش می‌گذاشت.

کمند امیرسلیمانی در نقش آذر و ناصر هاشمی در نقش ناصر نیز دو شخصیت اصلی تقابل نسل‌ها را شکل می‌دادند. در کنار این بازیگران، هنرمندانی چون جمیله شیخی، سیامک اطلسی، خسرو شجاع‌زاده، محمود جعفری، محمود پاک‌نیت، کتایون ریاحی، اکرم محمدی، پرستو گلستانی، آزیتا لاچینی و فرحناز منافی ظاهر در این مجموعه ایفای نقش کردند. حضور این گروه از بازیگران باسابقه و توانمند، به انسجام فضای خانوادگی سریال کمک کرد.

حاشیه‌هایی که نشان داد مخاطبان، داستان را باور کرده‌اند

یکی از جالب‌ترین نکات درباره «پدرسالار»، واکنش‌هایی بود که برخی مخاطبان در زمان پخش سریال از خود نشان می‌دادند. داستان آن‌قدر به زندگی واقعی خانواده‌ها نزدیک بود که عده‌ای مرز میان شخصیت داستانی و بازیگر را فراموش می‌کردند.

در گزارشی که آفتاب‌نیوز درباره خاطرات بازیگران این مجموعه منتشر کرده، به نقل از ناصر هاشمی، بازیگر نقش ناصر، آمده است که در زمان پخش سریال، کمند امیرسلیمانی به‌دلیل رفتار شخصیت آذر در داستان، از سوی یک راننده تریلی تهدید شده بود. همچنین برخی مردم وقتی ناصر هاشمی را در خیابان می‌دیدند، به او توصیه می‌کردند به خانه پدر بازگردد و احترام بزرگ‌ترها را نگه دارد!

این واکنش‌ها، هرچند در نگاه نخست عجیب به نظر می‌رسند، اما نشان می‌دهند مخاطبان تا چه اندازه با شخصیت‌ها و موقعیت‌های داستان ارتباط برقرار کرده بودند. برای آن‌ها آذر فقط یک نقش تلویزیونی نبود، بلکه زنی بود که در برابر یک ساختار خانوادگی سنتی ایستاده بود. ناصر نیز در نگاه برخی مخاطبان، پسری بود که باید به خانه پدری بازمی‌گشت.

کمند امیرسلیمانی سال‌ها بعد در گفت‌وگویی با شبکه آی‌فیلم۲ درباره

این نقش توضیح داد که هدفش از ایفای شخصیت آذر، نشان دادن توانایی یک دختر جوان برای استقلال، کار کردن و ایستادن روی پای خودش بوده است. او همچنین اشاره کرد که در زمان پخش سریال، پدرسالاری در جامعه ایران پررنگ‌تر از امروز بود و به گفته خودش، برخی خانواده‌ها پس از تماشای این مجموعه در روابطشان تجدیدنظر کردند.

خانه پدرسالار؛ یک لوکیشن که خودش به خاطره تبدیل شد

یکی دیگر از عناصر فراموش‌نشدنی مجموعه، خانه بزرگ اسدالله‌خان بود. این خانه با معماری قدیمی، حیاط و اتاق‌های متعدد، فضایی باورپذیر برای زندگی یک خانواده پرجمعیت فراهم می‌کرد. خانه فقط محل وقوع اتفاقات داستان نبود، بلکه به نوعی یکی از شخصیت‌های اصلی سریال به شمار می‌رفت؛ فضایی که در آن روابط خانوادگی شکل می‌گرفت، اختلاف‌ها بالا می‌گرفت و آشتی‌ها اتفاق می‌افتاد.

نکته جالب اینکه این خانه برخلاف بسیاری از لوکیشن‌های آثار تلویزیونی، پس از پایان تصویربرداری از بین نرفت. محل فیلم‌برداری در محله امامزاده یحیی تهران و در خانه‌ای قدیمی با قدمت حدود یک قرن قرار داشت که بعدها به خانه فرهنگ امامزاده یحیی تبدیل شد. بخش‌هایی از خانه که زمانی اتاق شخصیت‌های سریال بودند، کاربری‌های تازه‌ای پیدا کردند و همچنان نشانه‌هایی از گذشته خود را حفظ کردند.

چرا پدرسالار هنوز تماشایی است؟

ماندگاری یک اثر تلویزیونی را نمی‌توان تنها با تعداد قسمت‌ها یا میزان استقبال در زمان پخش سنجید. گاهی یک مجموعه به این دلیل در حافظه مردم باقی می‌ماند که مسئله‌ای را مطرح کرده که با گذشت زمان همچنان تازه است.

«پدرسالار» از این ویژگی برخوردار بود. موضوع استقلال فرزندان، حدود دخالت والدین، جایگاه بزرگ‌ترها، تفاوت نسل‌ها و معنای واقعی همبستگی خانوادگی، مسائلی نیستند که با گذشت چند دهه از میان بروند. شاید شکل زندگی خانواده‌ها تغییر کرده باشد و دیگر زندگی چند نسل زیر یک سقف به اندازه گذشته رایج نباشد، اما اختلاف‌نظر میان والدین و فرزندان همچنان بخشی از زندگی اجتماعی است.

از سوی دیگر، سریال از حضور بازیگرانی بهره می‌برد که هرکدام در جای خود وزنه‌ای معتبر بودند. هماهنگی میان بازیگران، دیالوگ‌های ساده و قابل‌فهم، فضای آشنای خانه‌های ایرانی و روایت دور از پیچیدگی‌های غیرضروری، باعث شد مخاطب به‌راحتی با داستان همراه شود.

علی‌اکبر محلوجیان، نویسنده مجموعه، در گفت‌وگویی که شبکه آی‌فیلم در سال ۱۳۹۸ منتشر کرد، احترام به بزرگ‌ترها و سنت‌ها را از دلایل ماندگاری «پدرسالار» دانسته بود. در کنار این نگاه، می‌توان دریافت که موفقیت سریال به دلیل طرح یک مسئله دوطرفه بود؛ هم ضرورت حفظ حرمت والدین را یادآوری می‌کرد و هم نیاز نسل جوان به استقلال و انتخاب را به تصویر می‌کشید.

پژوهشی که در بهار ۱۴۰۳ در فصلنامه «مطالعات فرهنگی و ارتباطات» منتشر شده نیز به بازنمایی نقش مادرشوهر در سریال‌های «پائیز صحرا» و «پدرسالار» پرداخته است. در این پژوهش، تصویر مادرشوهر در «پدرسالار» برخلاف برخی کلیشه‌های رایج تلویزیونی، شخصیتی مهربان، آرام، متواضع و واقع‌گرا توصیف شده است. این نکته نشان می‌دهد که حتی شخصیت‌های فرعی سریال نیز ظرفیت بررسی از منظر روابط اجتماعی و بازنمایی خانواده ایرانی را دارند.

میراث یک خانه و چند شخصیت ماندگار

اکبر خواجویی، کارگردان «پدرسالار»، در مرداد ۱۳۹۳ درگذشت، اما اثری که از خود به یادگار گذاشت، همچنان در میان مجموعه‌های خاطره‌انگیز تلویزیون جای دارد. بازپخش سریال در شبکه آی‌فیلم و استقبال مخاطبان از تماشای دوبارهٔ آن نشان می‌دهد که این داستان هنوز برای بخشی از جامعه جذابیت دارد. کمند امیرسلیمانی نیز در گفت‌وگوی خود با آی‌فیلم۲ گفته بود که با وجود گذشت سال‌ها، مردم همچنان او را با عنوان عروس پدرسالار می‌شناسند.

شاید راز ماندگاری «پدرسالار» را باید در همان خانه قدیمی جست‌وجو کرد؛ خانه‌ای که روزگاری محل زندگی اسدالله‌خان و فرزندانش بود و امروز بخشی از آن به فضای فرهنگی تبدیل شده است. شخصیت‌های داستان از قاب تلویزیون بیرون آمده‌اند، اما پرسش‌هایی که مطرح کردند همچنان در زندگی خانواده‌ها حضور دارند.

«پدرسالار» قصه پدری بود که می‌خواست خانواده‌اش همیشه کنار هم بمانند، اما به‌تدریج دریافت که کنار هم بودن، تنها با حضور فیزیکی زیر یک سقف معنا پیدا نمی‌کند. گاهی برای حفظ خانواده باید به خواسته‌های یکدیگر احترام گذاشت، فاصله‌ها را پذیرفت و به نسل بعد فرصت داد تا مسیر زندگی خود را انتخاب کند. شاید همین پیام ساده، مهم‌ترین دلیل ماندگاری سریالی باشد که پس از گذشت سال‌ها، هنوز نامش برای بسیاری از ایرانیان یادآور خاطره‌ای شیرین از تلویزیون دههٔ هفتاد است.



Fariborz Ghaffarpasand, M.D.
Neurosurgeon

دکتر فریبرز غفارپسند

متخصص جراحی مغز و اعصاب، ستون فقرات و دیسک

عضو انجمن جراحان مغز و اعصاب ایران و کانادا

عضو بنیاد ملی نخبگان

شماره نظام پزشکی: ۱۳۱۶۰۳

خدمات و زمینه‌های تخصصی

- جراحی اسکولیوز، انحراف و دفورمیتی‌های ستون فقرات
- جراحی تومورهای مغز و نخاع
- میکرونوروسرجری
- نوروتروما و آسیب‌های مغز و نخاع
- شکستگی‌های ستون فقرات
- کمردرد و بیماری‌های دیسک
- سردرد و تشنج

ساعت کاری مطب

۱۷ الی ۲۳

از شنبه تا چهارشنبه

برای دسترسی به آدرس و خدمات مطب
کد زیر را اسکن کنید

شماره‌های تماس:

071 53 84 20 99

0917 078 69 83

0917 133 49 55

0990 731 17 90

نشانی مطب

نی‌ریز، خیابان طالقانی، جنب صندوق قرض الحسنه قائم،
ساختمان مهراز، طبقه سوم، واحد ۴۰۱

Instagram
@dr.ghaffarpasand



سر در کتابخانه ملی کرمان/ عکس: محسن حاجی محمدی/ آبان ۱۳۹۸